



انترناسیونال

۱۹۹

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۱۵ تیر ۱۳۸۶، ۶ ژوئن ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

۱۰۰ تیر

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
زنده باد آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

چرا جای خالی منصور حکمت پر نشدنی است؟



حمید تقوایی

این نوشته بر اساس سخنرانی در مراسم یادبود منصور حکمت در ژوئیه ۲۰۰۴ تنظیم شده است.

چرا برای ما، یعنی کسانی که دوستان نزدیک و رفقای هم‌رزم او بودیم جای خالی منصور حکمت پر نمی‌شود؟ چرا برای این حزب و این جنبش جای او پر نشدنی است؟ این چه عاملی است که او را با هر اسمی بنامیدش در ذهنها زنده نگاه میدارد؟ چرا منصور حکمت و یا ژوین رازانی و یا نادر، و یا رهبر یک حزب و یک جنبش، و یا یک متفکر و یک مارکسیست استثنائی، او را با هر اسم و عنوانی بنامید، چرا او همیشه زنده است، با ما ارتباط برقرار میکند و نمیگذارد خاطره اش حتی کمرنگ بشود؟ و من فکر میکنم حتی برای نسلهای بعدی هم، اگر او را درست بشناسند، همین را میتوان گفت. کسانی که حتی او را ندیده اند برای او دل‌تنگ خواهند شد و فقدانش را حس خواهند کرد.

چرا اینطور است؟ به این ستوال خود منصور حکمت بهتر از هر کس جواب میدهد. "اساس سوسیالیسم انسان است"، و بنظر من منصور

تنها سه روز مانده است

هجده تیر را میتوان
و باید به یک روز
قدرتمایی بزرگ
تبدیل کرد!



شهلا دانشفر

سه روز بیشتر به هجده تیر نمانده است و جنب و جوش برای برپایی این روز شدت گرفته است. امسال در شرایطی به استقبال هجده تیر می‌رویم که کل جامعه در تحرك و در اعتراض است. جمهوری اسلامی با اعلام طرح سهمیه بندی بنزین در واقع حمله ای دیگر به زندگی و معیشت جامعه را آغاز کرده است و اکنون صحبت از تسری این سهمیه بندی به مصرف برق است. در مقابل این تهاجم اعتراضات گسترده ای به پا شده است، اعتراضاتی که بسادگی فرو نمی‌نشیند و حاکی از سرفصل جدیدی در اعتراضات مردم علیه این رژیم و در دفاع از زندگی و معیشت خود است. هجده تیر که سنتا روز اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی است، بهترین فرصت برای تبدیل این روز به یک روز اعتراض عمومی است. باید برای برپایی

صفحه ۶

سوسیالیسم بیانگر عمیق ترین تمایلات و آرمانهای مردم ایران است

سخنرانی حمید تقوایی در معرفی قطعه‌نامه "رشد گرایش سوسیالیستی در حرکت‌های اعتراضی مردم و عروج کمونیسم کارگری" در کنگره نهم

همانطور که در سخنرانی افتتاحیه هم گفتیم به نظر من یک نقش مهم این کنگره اینست که جنبش عظیمی که در جامعه جاری است و امروز میتوان آنرا سوسیالیستی نامید را نمایندگی کند. وقتی می‌گوییم عظیم این فقط

صفحه ۳

برای آزادی محمود صالحی

نامه شهلا دانشفر

به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ چرا جای خالی منصور حکمت ...

را زیر خدا و وطن و ملت و قومیت و مذهب و نژاد مدفون میکنند تا بتوانند جنگ را پیش شرط صلح و فقر را لازمه ثروت و توحش سرمایه داری بازار آزاد را عین تمدن ممکن جا بزنند. این شعبده بازی لازم میشود تا دنیای وارونه سرمایه داری را بهترین دنیای ممکن جا بزنند و به افکار عمومی بخوراندند.

منصور حکمت دست این شعبده بازیها را رو میکند. صریح و روشن و شفاف و بیواسطه انسان را وسط سیاست میگذارد و بهمین خاطر رادیکال و بهمین خاطر تکان دهنده است و بهمین خاطر جوهر تغییر درش هست و زیر و رو کننده است. من در پلنوم یازدهم به این نکته اشاره کردم که در نظرات منصور حکمت انرژی عظیمی خفته است که باید آزاد بشود. و اولین گام برای رها شدن این انرژی شناخت و شناساندن این نظرات است. نفس آشنائی با کمونیسم منصور حکمت جهت میدهد و امیدوار میکند و حقیقت دنیا و راه تغییر آنرا در برابر چشمان ما قرار میدهد.

چشم ما بود منصور حکمت و دنیا را بما میشناساند. لایه های سیاست و دیپلماسی و نظم نوین و نظم کهن و جهان جنگ سرد و جهان دو قطب تروریستی را کنار میزد و انسان را میکشید بیرون و میگفت این است مساله. دعوا بر سر اینست.

در جنبش منصور حکمت سیاست نمیتواند حرفه باشد. در این جنبش دیپلوماسی نمیتواند با منافع مستقیم مردم بی ربط باشد. در این جنبش شعبده بازی نداریم، در این جنبش واسطه نداریم، در این جنبش مقدس نداریم، اگر چیزی مقدس است خود انسان است، نه پرچم داریم و نه مذهب داریم، نه بت داریم و نه روحانی داریم و نه حجاب داریم، نه سرزمین و مرز پرگهر و قوم و قبیله داریم. جنبش منصور حکمت انسانی است و بهمین خاطر انترناسیونالیستی است و جهانشمول است. این فقط ادعا و موضعگیری نیست، انترناسیونالیسم وجهانی بودن در ذات و جوهر این جنبش است.

یک فرق اساسی ما با تمام جنبشهای چپ قبل از خودمان، حتی چپ بلشویسم که مورد قبول ما است، اینست که ما در اپوزیسیون

سیاست اوست و آرمان و پرچم اوست. منصور حکمت نماینده انسان دوره ماست، نماینده نه تنها دردها ورنجهایش بلکه همچنین قدرت و اراده عظیمش برای تغییر این جهان. در حرفهایش، در برنامه یک دنیای بهترش، در قطعنامه هایش و در انجمن مارکس و در پلنوم بعد از پلنوم، و در کنگره بعد از کنگره، همه جا منصور حکمت تجسم و تبلور این نوع آزادیخواهی انسانی است.

دلتنگی ما برای منصور حکمت دلتنگی برای خود است. ما دلمان برای خودمان تنگ میشود، برای انسانی که میتوانیم و باید باشیم، برای انسانیتی که هنوز متحقق نشده است، دلمان برای برابری و برای آزادی تنگ میشود، برای دنیای انسانی که انسان در آن محترم باشد و زندگیش را برای تامین معیشت گرو نگرفته باشند. انسانی که حق دارد زنده باشد، حق دارد سیر باشد، حق دارد خلقتهایش را شکوفا کند، آزاد و رها باشد و با آزادی و برابری زندگی کند.

ما نمیتوانیم منصور حکمت را فراموش کنیم بخاطر اینکه تجسم این دنیا بود، تجسم این آرمان بود. برای اینکه ما را با این آرمان و برای این آرمان متشکل کرد و سازمان داد و حزب ساخت و جنبش ساخت. انسان منصور حکمت بیواسطه است. در سیاست خیلی ها راجع به آدم صحبت میکنند. رضا پهلوی هم بالاخره سعی میکند مرز پرگهر و تمامیت ارضی و پرچم سه رنگ اش را به هر نحو شده به انسان متصل کند. اما کسی که به این نوع واسطه ها نیاز دارد امرش همان واسطه هاست.

به آرمانها و مقدسات احزاب و جنبشهای دیگر نگاه کنید. چو ایران نباشد تن من مباد، تقدس پرچم، تقدس خدا، تقدس خاک و مرز، تقدس نژاد و ملت و قومیت اینها همه جنبشهای دیگر را میسازند. ارزشها و سیستم ارزشهای جنبشهای دیگر اینهاست. وقتی در موضوع دقیق میشوید می بینید شعبده بازی در کار است. میخواهند منافع طبقه حاکمه را منافع مردم وانمود کنند و ناگزیرند پای این جور مقدسات را بمیان بکشند. انسانیت

زدگان کرده است (و البته در کنار آن کانتولیسیسم را هم رواج داده که فعلا از آن میگذریم). در هر حال اگر نفس عشق به انسان را در نظر بگیریم چنین افرادی کم نبوده اند. مثل مادر ترزاها کم نداشته ایم. در یک سطح اجتماعی پزشکان بدون مرز را داریم، که اینها هم زندگیشان را وقف معالجه قربانیان جنگها و مصیبت زدگان در سراسر دنیا میکنند و چشم داشتی هم ندارند و آدمهای خیلی شریفی هستند. اینها را هم داریم. ولی منصور حکمت با همه این نوع انساندوستان فرق میکند. او مانع او فقط در این نیست که انسانها را دوست دارد و میخواهد به همه کمک کند. عشق به انسان و انسانیت جزء خصوصیات فردی منصور حکمت هم هست اما او مانع او بسیار فراتر از این است. انسان را سیاست آوردن و بلافاصله انسان را در مرکز سیاست گذاشتن و به این عنوان به اراده انسان اتکا کردن و اعتماد و اطمینان داشتن به نیروی اراده و خواست و قدرت انسانها و انسان را فراخواندن برای اینکه دنیایی بسازد که در خورشانش باشد، او مانع منصور حکمت با این خصوصیات مشخص میشود.

از نظر او این خود انسان سرکوب و تحقیر شده است که میتواند حرمت خود را به خود برگرداند. منصور حکمت از واقعیت عظیم تر و پایه ای تری حرف میزند، از دنیای بهتر، دنیای آزاد و رها و انسانی که ایجادش میتواند و باید امر توده های عظیم مردمان عصر ما، بقول خودش امر مردم جهان متمدن باشد. منصور حکمت این نیروی عظیم را متحد و متشکل میکند و به آن آرمان و سیاست و افق میدهد.

انسان دوستی منصور حکمت رجوع به انسان است، آزاد کردن اراده و حقیقت جوئی و آرمانگرایی و نوع دوستی انسان است برای زیر و رو کردن دنیا ضد انسانی موجود و رهایی انسان و انسانیت. اگر کسی به این دنیا اعتراض دارد و اگر هر کسی در هر گوشه این دنیا وضعیت موجود را دون شان انسان میداند و این دنیا را دنیای خود نمیداند با منصور حکمت است و منصور حکمت حرف اوست،



بطور بلاواسطه مسئله ماست، انسان در مرکز سیاست ماست. و اگر قدرت سیاسی را میخواهیم، همانطوریکه منصور حکمت گفت، برای اینست که بتوانیم این تغییرات را در یک سطح وسیع و همه جانبه تر و در زندگی میلیونها انسان و بطور پایدار ایجاد کنیم. فلسفه تصرف قدرت سیاسی منصور حکمت هم انسانیت و باز بقول خودش گذار از تفسیر دنیا به تغییر دنیا برای باز گرداندن اختیار به انسانها است.

جنبشی که منصور حکمت پرچمش را بلند کرد جنبشی است جهانی، متعلق به میلیاردها است و نه فقط هزارها و میلیونها. این جنبش آزادی دنیای عصر ما است. دنیایی که در آن انسانیت و حرمت انسانی به هیچ گرفته میشود. فکر میکنم حالا پاسخ روشن باشد. اگر ما دلمان برای منصور حکمت تنگ میشود و اگر هرروز بیادش میافتیم و همیشه بیادش میافتیم بخاطر این است که جای انسان و انسانیت را در دنیای واژگونه موجود خالی میبینیم. زنده باد منصور حکمت. *

این مطلب برای اولین بار در انترناسیونال شماره ۱۴۷ منتشر شد.

با تشکر از ناصر احمدی که متن اولیه این سخنرانی را از فایل صوتی پیاده کرده است. انترناسیونال

منشا اثر بوده ایم، بلشویکها در تبعید حداکثر نیرو جمع کردند برای اینکه تزار را سرنگون کنند.

جنبشهای عظیم حق طلبانه مثل جنبش ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی هم امرش فقط رهائی سیاهپوستان در آن مملکت بود. به عرصه های دیگر حتی اگر به مساله نژادی هم مربوط میشد مانند مثلا وضعیت سیاهپوستان در آمریکا، کاری نداشت. و تمام هویت و فعالیتش به سرنگونی رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی خلاصه میشد. ده ها حزب و جنبش چپ و انقلابی دیگر را میشود مثال زد که همین وضعیت را داشته اند. اما حزب و جنبش ما را نگاه کنید. در ده ها عرصه و در ده ها کشور، هر جای دنیا که فعال این حزب حضور دارد، هر جا حرمت و حقوق و درد انسانها مطرح است، حزب ما در گیر است و میجنگد. در کمپین علیه سنگسار و اعدام و مقابله با دادگاههای شریعه در کانادا تا مبارزه برای حقوق کودکان در اسکانديناوی و برای حقوق پناهندگان در همه جای دنیا.

در سراسر دنیا آدمهایی هستند که اگر منصور حکمت نبود زندگیشان از دست رفته بود. یا جانشان را از دست اده بودند و یا افق و امید و آرزوهایشان را و عزم و اراده شان برای تغییر را.

ما تنها حزبی هستیم که در تاریخ در اپوزیسیون منشا اثر میشویم! چرا؟ بخاطر اینکه انسان

از صفحه ۱ سخنرانی حمید تقوایی ...

جایگاه حزب خود همین استنباط است. در هر حال در اینجا موضوع بحث من نقش و اهمیت حزب نیست. این بحث جداگانه ای است که بعداً به آن میسریدازیم. اما اگر حزب را هم فراموش کنید کسی که تحولات جامعه ایران را دنبال کند یک جنبش عظیم سوسیالیستی را مشاهده میکند. عظیم به دو معنی: اول از لحاظ زمانی در رابطه با تاریخچه مبارزات طبقه کارگر و مردم در خود آن جامعه و دوم از لحاظ جغرافیائی در مقایسه با مبارزات و اعتراضات مردم در هر جای دیگر دنیا. از هر دو جنبه مبارزات و جنبش اعتراضی مردم در ایران امروز منحصر بفرود ویژه است. ما حزب این جنبش هستیم و در دل این جریان هستیم و به همین دلیل شاید بروشنی نمی بینیم و متوجه اهمیت این شرایط نیستیم. اگر ۳۰ سال قبل کسی میگفت یک روز در گورستانی که کمونیستها را در گورهای بی نام و نشان خاک کرده اند و در شرایطی که هنوز همان حکومت جانی بر سر کار است مردم گرد می آیند و سرود انترناسیونال می خوانند، این برای من قابل باور نبود. میگفتم شاید صد سال بعد چنین اتفاقی بیافتد. میگفتم چنین جامعه ای فاصله چندانی با پیروزی سوسیالیسم نخواهد داشت. بیست سال قبل برای کسی قابل تصور نبود که روزی در تهران جمهوری اسلامی در روز جهانی کودک مدافعین کودکان کار و خیابان در یک تجمع بزرگ گرد بیایند و سرمایه و حکومت سرمایه داری را بعنوان ریشه مسائل کودکان محکوم کنند و بگویند برای آزادی کودک و رفاه کودک باید این نظام وارونه را تغییر داد. امروز این اتفاق افتاده است. الان در دل این جریان هستیم و داریم این واقعیات را می بینیم. ما حق داشتیم بیست سال پیش باور نکنیم ولی نمی دانم امروز چرا کسانی که خودشان را چپ و سوسیالیست میدانند باور نمیکنند؟ امروز چرا وقتی این واقعیت را می بینند انکارش میکنند؟ امروز چرا میگویند این سوسیالیسم از ما نیست؟ و سرود انترناسیونال را هم جمع معدودی خوانده اند و این پرچم سوسیالیسم بپا خیز برای رفع

تبعیض را هم عده معدودی بالا برده اند (و راست هم میگوید فتوشاپ است! گفتند این پلاکارد را مصطفی صابر با برنامه کامپیوتری فتوشاپ در دست معلمان گذاشته است!) چرا اینطور است؟ من مارکسیست بیست سال پیش باور نمی کردم چون شعارهای سوسیالیستی در اعتراض و مبارزه مردم از جمله اهداف و آرمانهایم بود که بعید میدانستم در زمان زندگی خودم شاهدش باشم و امروز خوشبختانه می بینم که دارد اتفاق می افتد. و کسی که امروز می بیند و انکار میکند آرمان و ایده آل دیگری دارد. حتی اگر خود را چپ و سوسیالیست بنامد. امروز در ایران طبقات آشکارا و صریح در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند. دانشجویی که در ۱۶ آذر شعار یا سوسیالیسم یا بربریت را بالا میبرد چند روز بعدش در ۲۰ آذر به احمدی نژاد میگوید فاشیست برو گمشو و عکس اش را پاره میکند و به آتش میکشد. و کارگری که برای خواستههای ظاهراً صنفی اش بجایان می آید و میگوید منزلت معیشت حق مسلم ما است، یک خواست سوسیالیستی را مطرح میکنند. معیشت می خواهیم و منزلت می خواهیم. حرمت انسانی می خواهیم و رفاه می خواهیم. و شعار میدهد سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض. معلمی که میگوید ۲۸ سال گذشته عدالت کجا رفته و "مجلس بی لیاقت استعفا استعفا" نیز دارد اعتراض چپ و سوسیالیستی اش را بیان میکند. وقتی این شعارها در خیابانها داده میشود دارند واقعیاتی را اثبات میکنند که کسی که با این حرکت نیست ناگزیر است انکار اش کند. کسی که فکر می کرده است باید تدریجی بطرف سوسیالیسم رفت، کسی که فکر می کرده سوسیالیسم امروز زود است، کسی که فکر می کرده حزب ما که بر سوسیالیسم تاکید میکنند ایدئولوژیک و فرقه ای است، کسی که فکر می کرده سوسیالیسم مردم را رم میدهد، کسی که فکر می کرده سوسیالیسم اثباتی است و نمیشود در سطح توده ای تبلیغش کرد، در برابر واقعیت امروز قرار میگیرد و ناگزیر است بگوید زمین کج است!

ناگزیر است این نتیجه را بگیرد که اشکالی در اینجا هست، نباید اینطور میشد، قرار نبود اینطور بشود. قرار بود دوره ائتلافها باشد! قرار بود دوره مجلس موسسان باشد! قرار بود بتدریج و کم کم وضعیت قطبی شود! آخر منصور حکمت هم خودش گفته است. قرار بود بعد از سرنگونی انقلاب بشود. (و البته چون منصور حکمت اینطور گفته بعد از سرنگونی میرویم ائتلاف میکنیم!) قرار بود مبارزه امروز پولاریزه نشود. قرار بود قطبندی طبقاتی بعد از سرنگونی اتفاق بیفتد! اینها را منصور حکمت خودش گفته است. "و منصور حکمت را در همین ویدئو که در ابتدای کنگره نشان داده شد دیدید که چه گفته است. نقل قولها را باید بر زمینه و چارچوب خودش قرار داد و فهمید. نمیتوانید یک بخش از حرفهای منصور حکمت را قیچی کنید، تعبیر و تفاسیر راست خودتان را سوارش کنید، و نتیجه بگیرید چپ ضعیف است! یکی به من میگفت سوسیالیسم اثباتی است و شعار توده ای نیست گفتم این را برو به معلمان بگو! جوابت را آنها دارند. ما که به کسی دستور نداده ایم پرچم سوسیالیسم بپا خیز را در خیابانها بلند کنند. چرا معلمان متوجه نیستند شعار سوسیالیسم اثباتی است؟! منصور حکمت هم ظاهراً متوجه نبود که میگفت زبپ هر انسان منصفی را بکشید یک سوسیالیست می باید. او که حتی از این افراطی تر است، میگوید یک کمونیست و بلشویک می باید. رفقا سوسیالیسم عمیق ترین اعتراض به دنیای موجود است. سوسیالیسم پرچم اعتراض است، در تمام کتاب کاپیتال شما حتی یک صفحه پیدا نمیکنید که اثباتاً در مورد سوسیالیسم حرف زده باشد. تمام این کتاب نقد کاپیتالیسیم است. نقد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و ریشه های بدبختی، استثمار، ظلم و نابرابری و فقر در سراسر جهان. سوسیالیسم عمیق ترین نقدی است که میتوان در مورد جهان موجود مطرح کرد. ما سوسیالیستها این دنیای موجود را نمیخواهیم. سوسیالیستی که سی سال قبل همین نقد و اعتراض را داشت، و بوسیله چپ غیر کارگری در آن زمان

نماینده نمی شد، امروز بوسیله حزبی نمایندگی میشود که پرچم سوسیالیسم را بلند کرده و خواست و حرف دل یک جامعه هفتاد میلیونی را نمایندگی میکند. جامعه ای که در اعتراضات و مبارزات خود بیش از پیش به شعارهای سوسیالیستی روی می آورد و در تاریکی ای که به آن نظم نوین جهانی میگویند مشعل سوسیالیسم را بر افروخته است. حزب ما هست تا این مشعل را روشن و زنده نگاهدارد، و این مبارزات را گسترش دهد، عمیقتر کند و به پیروزی برساند. میگویند شعارهای سوسیالیستی را فقط عده ای میدهند. هنوز این شعارها توده ای نشده، فقط بخشی از فعالین هستند و غیره. طبیعی است که اینطور باشد. این شعارها را امروز فقط عده ای میدهند اما این عده پیشروان و پیش کسوتان توده های میلیونی هستند. اگر همه مردم این شعارها را میدادند که همین فردا انقلاب سوسیالیستی پیروز میشود. اینها قدمهای اول حرکت است و آنکه قدمهای اول را انکار میکند به قدم آخر نخواهد رسید. اعتراض سوسیالیستی هنوز به شعار توده ای تبدیل نشده ولی این روند آغاز شده است. این نقطه عطف را در جنبش کارگری باید دید. جنبش کارگری دوره نوینی را شروع کرده، و آن خصوصیات همیشگی سنتی که جنبش کارگری با آن شناخته میشد دیگر در هیچ سطحی صادق نیست. جنبش کارگری پوسته سنتی خود را شکافته و قد راست کرده است. (در بحث مربوط به قطعنامه جنبش کارگری در این مورد بیشتر صحبت خواهیم کرد). به جنبش جوانان نگاه کنید. این دیگر جنبش ۱۶ آذر سی سال پیش نیست، جنبش دانشجویی علیه شاه نیست، این یک جنبش سوسیالیستی است. ۱۶ آذر روز آزادی و برابری و سوسیالیسم یا بربریت است. بخش کوچکی از مردم این پرچم سوسیالیستی را بلند کرده اند اما این بخش حرف دل مردم را بیان میکنند. وقتی عده ای از معلمان پرچم سوسیالیسم بپا خیز را در تجمع خود بلند کردند بقیه معلمان که آنها را احاطه کرده بودند به لباس شخصی ها و اوباش حکومتی که میخواستند این شعار را پائین بکشند اجازه ندادند به آنها

نزدیک شوند. و این پلاکارد همچنان برافراشته ماند و عکس اش هم در سایت ها درج شد. این شعارهای سوسیالیستی یک رعدی در آسمان بی ابر نیست. عمیق ترین تمایلات و خواسته های مردم ایران را نمایندگی میکند. این سوسیالیسم باید سخنگو داشته باشد، باید حزب داشته باشد، باید حزب پیشتازی وجود داشته باشد که به این حرکت شکل بدهد، معرفی اش کند، عمیق ترش کند سازمانش بدهد و پیروزش کند. این حزب، حزب ما است. حزب ما باید مدام بر این واقعیات تاکید کند چون دارند انکارش میکنند. از چپ و راست. دارند ما را بدهکار استالین میکنند. دارند ما را بدهکار آن چپی میکنند که با شوروی شکست خورد. دارند آن تصویر خاکستری و جنگ سردی را از کمونیسم القا میکنند: "کمونیستها دارند می آیند!" بله کمونیستها دارند می آیند اما کمونیستهای نوع منصور حکمت. زمین زیر پای طبقه حاکمه داغ شده است چون بساط زورگونی و مفتخوریشان در هم پیچیده میشود. و از حاکمین در ایران تا اپوزیسیون بورژوائی حکومت معضشان همین است. این یک نبرد رودرروی طبقاتی است. این مبارزه در صفوف حزب هم منعکس میشود. من تحولاتی که به شکل استعفا و انشعاب و جدائی در حزب ما رخ میدهد را جزئی از مبارزه طبقاتی میدانم. این شکل پنهان و تراژیک مبارزه طبقاتی است. انسان رفقای تا دیروزش را از دست میدهد. ولی تعهد این حزب به دوستان قدیمی و یا حواریون منصور حکمت و کسانی که با هم پالوده خورده ایم نیست. تعهد این حزب به طبقه کارگر و هفتاد میلیون انسانی است که میخواهند آزاد بشوند. و چون ما این تعهد را محترم میداریم فقط میتوانیم برای کسانی که این رابطه را ندیده اند و نمی بینند متأسف باشیم. این بخشی از مبارزه ما است. این حزب از وقتی که بحث حزب و جامعه را منصور حکمت مطرح کرد و از کنگره سوم تا امروز مدام در همین جهتی که امروز حاصلش شکلگیری اعتراضات چپ و سوسیالیستی در جامعه است به

از صفحه ۳ سخنرانی حمید تقوایی ...

پیش آمده است. از زمانی که منصور حکمت از جنبش سرنگونی طلبانه در ایران سخن گفت و این جنبش را معرفی کرد، حزب ما افت و خیزها و زیر و بم های این جنبش را دنبال کرده است و آنرا نمایندگی کرده است. ما با رادیو تلویزیون و با همه امکاناتمان، با فعالینمان در داخل کشور و با مبارزات و کمپینهایمان در خارج این جنبش را بجلو راندم، به این جنبش هویت دادیم، نگذاشتیم پرچمش بیفتد، نگذاشتیم استحاله چی ها تحریفش کنند، نگذاشتیم بدنال خاتمی و دو خرداد بکشندش و وقتی این جنبش از دو خرداد بقول خودشان عبور کرد اعلام کردیم این جنبش انقلابی است، در کنگره چهارم این را اعلام کردیم. گفتیم جامعه به چپ می چرخد آن موقع هنوز تا حد زیادی این یک حکم تحلیلی و تبیین شرایط بود اما امروز این یک واقعیت غیر قابل انکار است. امروز بعد از سه سال می بینید جامعه حتی از انتظارات قطعهنامه کنگره چهارم جلو زده است. این حزب پرچم جنبش سرنگونی را بلند کرد، پیشاپیش آن حرکت کرد، تقویتش کرد، رایکالیزه اش کرد، سازمانش داد، بلندگو و نماینده اش شد، مواضع را از سر راه آن بکنار زد و این جنبش را بجلو سوق داد. وقتی چپ در جامعه سر بلند کرد، اولین باری که شعار سوسیالیسم بیا خیز برای رفع تبعیض در خیابانها داده شد، حزب ما این شعار را برجسته کرد و زیر نویس نشریاتش کرد و این شعار دوباره و دوباره در خیابانها و در اعتراضات معلمان مطرح شد. امروز سوسیالیسم و نقد و اعتراض سوسیالیستی به وضع موجود نه تنها در شعارها بلکه در مضمون قطعهنامه ها و بیانیه های تجمعات اعتراضی مردم به صراحت خود را بیان میکند.

رفقا یک جنبش عظیم سوسیالیستی در جامعه در حال حرکت است. آشکارا از سوسیالیسم صحبت میکنند. از سوسیالیسم بعنوان ره رهایی، بعنوان راه رفع تبعیض و نا برابری و بعنوان آلترناتیو بربریت سرمایه داری. در هر عرصه و به هر بهانه ای، از دفاع از حقوق کودک تا علیه حجاب تا روز اول مه تا اعتصاب معلمان تا اعتراض زنان، در همه این عرصه این اعتراض و نقد و سوسیالیستی است که مطرح میشود و جا باز میکند. از سوی دیگر می بینید که تمام آلترناتیوهای راست از فراندوم تا فدرالیسم و نافرمانی مدنی و تغییر قانون اساسی کاملاً حاشیه ای و بی ربط شده است. جامعه فقط از دو خرداد رد نشد، از همه آلترناتیوهای راست رد شد و این را صریحاً در شعارهایش اعلام کرد. وقتی در ۱۶ آذر دانشجویان در بیانیه شان اعلام میکنند یک کره ارض یک انسان و یا یک نژاد آنها نژاد انسانی این فقط یک شعار آرمانی نیست، این مشخصاً یک شعار سیاسی در پاسخ به فدرالیسم و تقسیمبندی قومی و مذهبی انسانها است، این "نه" به الاهواز و انواع ناسیونالیسمهای آذری و کرد و غیره است و همچنین نه محکمی به ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی است با مقدمات تاریخی و تمامیت ارضی و غیره اش.

این یک جنگ و نبرد طبقاتی است. جنگی که یک بروز مشخص آن را بر سر روز جهانی زن مشاهده کردیم. سه جنبش سه روز متفاوت را مطرح کردند: سلطنت طلبان روز کشف حجاب رضا خانی را علم کردند، ملی اسلاميون و دوخردادی ها روز فاطمه زهرا را توی بوق کردند و چپ پرچم ۸ مارس را برافراشت. نتیجه چه شد؟ چپ با روز ۸ مارس پیروز شد. اکنون ۸ مارس به این جنبشها نیز تحمیل شده است. امروز ۸ مارس بعنوان روز زن تثبیت شده است و این به وضوح و بطور سمبلیکی نشان دهنده دست بالا پیدا کردن چپ و کمونیسم کارگری در جامعه است. آلترناتیوهای حکومتی راست، استراتژی های تغییر حکومت از بالا، رژیم چنچ، جنگ، فراندوم، کودتا، فدرالیسم و سوار شدن بر تعصبات قومی و ملی و مذهبی، همه اینها را روی میز گذاشتند، اما کارشان نگرفت. تلاشهایشان برای شخصیت و رهبر سازی نیز بجائی نرسید. چپ اجازه نداد بجائی برسند. افشا و منزوی شدند و امروز حتی خودشان هم حرفش را نمی زنند. در مقابل همه اینها حزب ما ایستاد و اعلام کرد

سوسیالیسم همین امروز. نه فردا، نه بعد از سرنگونی، نه بعد از قانون اساسی و مجلس موسسان و نه بعد از ائتلاف و فراندوم. همین انقلاب علیه همین جمهوری اسلامی سوسیالیستی است و باید سوسیالیستی باشد. حزب ما این را اعلام کرد و از جامعه، از بخش معترض و متحرک و پیشرو جامعه پاسخ مثبت گرفت. آن حزب رادیکال و افراطی و کله شق و یکدنده ای که منصور حکمت توصیف میکرد امروز محکم و استوار ایستاده است و بر انقلاب و سوسیالیسم پای میفشارد. بما گفتند آژیستاتوریست.

گفتند غلو میکنید. گفتند تعداد کادراهیمان زیاد نیست. رهبران عملی با ما نیستند. این سوسیالیسمی که در خیابانها می بینید سوسیالیسم ما نیست، فتو شاپ است. همه اینها را گفتند و ما همچنان بر انقلاب و سوسیالیسم پای فشرديم. ما حزب انقلاب و سوسیالیسم هستیم و این از کتابها نتیجه نشده، از آسمانها نازل نشده، این سوسیالیسم روی زمین در خیابانها و در کارخانه ها است و دارید می بینیدش. امروز ما لبخند تمسخر می زنیم بر آن کسی که واقعیت را می بیند و حاشا میکند. حالا روشن میشود که چرا با قطعهنامه های کنگره چهارم ما نیز مخالف بودند. قطعهنامه که جای خود دارد خود واقعیت را می بینند و قبولش ندارند. چه برسد به حزبی که بخواهد به استقبال این شرایط برود و در ساختن و ایجادش نقش ایفا کند. گفتند راست دست بالا را دارد نه برای اینکه هژمونی را از راست بگیرند، بلکه برای اینکه به راست تمکین کنند. و این بازی ادامه دارد. میگویند جامعه هنوز پولاریزه نشده و بعد از سرنگونی قرار است قطببندی طبقاتی اتفاق بیافتد. این را میگویند برای آنکه کل انقلاب برای سرنگونی را از دستور خارج کنند و راست را در جنبش همه باهم علیه آخوندها شریک کنند و شریک نگاهدارند. اما جامعه از این رد شده است. ما اگر اشتباه نکنم این را در پلنوم بیست و سوم اعلام کردیم. در بحث قطببندی طبقاتی در ایران. آن زمان هنوز این اتفاقات نیافتاده بود و این فاکتورها واقعیتها نبود ولی امروز دیگر به تئوری و تحلیل

صفحه ۷

زنده باد اعتراضات مردم یاسوج و اصفهان به سهمیه بندی بنزین مردم یاسوج نیروهای سرکوبگر را در خیابانهای شهر شکست دادند

در پی اعتراضات مردم به سهمیه بندی بنزین و حمایت های خامنه ایی از این اقدام دولت و مجلس، چهارشنبه ۶ تیر ۸۶ مردم یاسوج با نیروهای سرکوبگر حکومتی که شامل یگان های ضد شورش شهر یاسوج و نیروهای اعزامی از اصفهان بود درگیر شدند. نیروهای مسلح لباس شخصی و گارد ضد شورش در مقابل مردمی که با چوب و سنگ به آنان حمله می کردند، از میدان جهاد تا میدان استانداری به فاصله ۳ کیلومتر مجبور به عقب نشینی شدند.

مردم معترض در یاسوج با حمله به ساختمان های دولتی بانک ها و عابر بانک ها و ماشین های دولتی را تخریب کرده و به آتش کشیدند ولی به اموال شخصی هیچ گونه خسارتی وارد نکردند. در این اعتراضات نیروهای لباس شخصی به سوی مردم شلیک کرده و بنا به اخبار بین ۲ تا چهار نفر را کشته اند، ده ها نفر زخمی که حال تعدادی از آنان وخیم است، حدود ۴۰۰ نفر را نیز دستگیر کرده اند و هنوز به دنبال مردم معترض و در صدد دستگیری آنها هستند. اسامی دو تن از کشته شدگان اعتراضات در یاسوج جواد زمانی فرزند شیروان ۲۱ ساله و سید رضا خادمی فرزند گل محمد ۲۵ می باشد.

در اصفهان نیز بنا به گزارش خبرنگار سازمان جوانان کمونیست کامران روشن، در پمپ بنزین چهارباغ این شهر مرد جوانی که برای موتور خود بنزین می خواست با مامورین انتظامی درگیر شد. این مرد ابتدا با مسئولین پمپ بنزین درگیر شده بود و از شدت عصبانیت و ناراحتی خود را به پمپ بنزین کوید به طوری که شیشه پمپ را شکست و آن را خراب کرد که این

باعث زخمی شدن سر و صورت این مرد جوان هم شد در این هنگام مردم با دخالت خود تلاش کردند مرد مجروح را به بیمارستان منتقل کنند که مامور پلیس مستقر در پمپ به گشت یگان ضد شورش اطلاع داد و نیروهای سرکوب گر بلافاصله به پمپ بنزین رسیدند و با باتوم به مردم حمله کردند و مرد مجروح را با ضرب و شتم به ماشین های خود منتقل کردند. مردم خشمگین علیه احمدی نژاد و خامنه ایی شعار می دادند و مرد جوان را تحسین میکردند، همه میگفتند که باید از او یاد بگیریم باید اعتراض کنیم. جانمان به لب رسیده، پول این بنزینها به کجا میرود؟ این وضع تا کی ادامه مییابد؟ چرا وضع ما که روی دریای نفت هستیم، این است.

اعتراض و درگیری با نیروهای انتظامی و گارد ضد شورش همچنان در شهر های مختلف در جریان است و مردم مترصد موقعیت هستند تا به ساختمان های دولتی بانک ها و هر جایی که نشانی از ستم بر مردم و استثمار دارد حمله کنند. اعتراض و شیوه حمله مردم یاسوج به مکان های دولتی نشان می دهد که مردم دشمن خود را کاملاً می شناسند و می دانند سرمایه داری با بانک ها و دم و دستگاه دولت و زندان و پلیس سرکوبگرش مسبب همه بدبختی ها و فقر و فلاکت شان است.

صفحه ۵

از صفحه ۱ تنها سه روز مانده است

به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

برای آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی نیاز به اقدامی اضطراری است

اول مه سنندج نامه داده و عکس العمل نشان داده اند. سایت اینترنتی لیبر استارت کمپینی در حمایت از محمود صالحی اعلام کرده و هزاران نفر با گذاشتن امضای خود در زیر نامه اعتراضی مندرج در این سایت، پشتیبانی خود را اعلام داشته اند. با وجود چنین اعتراضات گسترده ای، دستگیر شدگان اول مه سنندج شیث امانی و صدیق کریمی از زندان آزاد شدند. ما این پیروزی را به همه سازمانهای کارگری و کارگران در ایران تبریک میگوییم و ضمن قدردانی از همه این تلاش ها، بر ادامه قدرتمند این کمپین تا آزادی بدون قید و شرط محمود صالحی و آزادی زندانیان سیاسی در ایران تاکید داریم. با توجه به اینکه در فاصله ۹ تا ۱۳ جولای در ایران تحرك زیادی در ارتباط با آزادی زندانیان سیاسی در جریان خواهد بود، ما پیشنهاد می کنیم که از سوی اتحادیه های کارگری در سراسر جهان نیز، این روزها بعنوان يك هفته همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران و برای آزادی فوری محمود صالحی از زندان اعلام گردد.

با تشکر
کمیته همبستگی بین المللی کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
هماهنگ کننده شهلا دانشفر
روابط عمومی بهرام سروش

شدگان در زندان های جمهوری اسلامی به تحت شدید ترین شکنجه ها هستند و باید در تجمعات خود خواهان آزادی این دستگیر شدگان شویم.

سازمان جوانان کمونیست
۱۰ تیر ۸۶، ۱۰ جولای ۲۰۰۷

کارگر در شهر سقز، بازداشت و به يك سال حبس تعزیری و دو سال حبس تعلیقی محکوم شد. محمود صالحی به جرم دفاع از حقوق کارگران و برپایی اول مه در زندان است. جمهوری اسلامی تلاش دارد با زندان کردن فعالین کارگری جنبش اعتراضی کارگری در ایران را عقب براند و هم اکنون اعتراضی برای آزادی محمود صالحی و تمامی زندانیان سیاسی و با خواست منع هر گونه تعقیب و تهدید فعالین کارگری در جریان است.

با توجه به همه اینها ضروری است که کمپینی اعتراضی برای آزادی محمود صالحی و تمامی زندانیان سیاسی در ایران در دستور گذاشته شود. بویژه محمود صالحی وضعیت جسمی اش وخیم است و باید اقدامی اضطراری برای آزادی او صورت گیرد. کمیته همبستگی بین المللی کارگری در ادامه فعالیت تا کنونی خود تشدید اعتراض برای آزادی محمود صالحی و پیشبرد قدرتمند کمپین برای آزادی محمود صالحی را در دستور کار خود دارد و از تمامی سازمانها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تقاضا دارد که با تمام قوا به این کمپین کمک رسانند.

تا کنون سازمانهای کارگری بسیاری در اعتراض به دستگیری محمود صالحی و فعالین کارگری در

همچنانکه اطلاع دارید محمود صالحی یکی از فعالین کارگری در ایران در تاریخ ۹ آپریل ۲۰۰۷ (۲۰ فروردین ۸۶) یعنی قبل از اول مه در شهر سقز دستگیر شد و از آن تاریخ تا کنون هنوز در زندان است. دادگاه تجدید نظر استان محمود صالحی را به يك سال زندان قطعی و سه سال حبس تعلیقی محکوم کرده است و او هم اکنون در زندان سنندج به سر میبرد. روز سه شنبه ۱۹ ژوئن (۲۹ خرداد) محمد شریف، وکیل مدافع محمود صالحی اعلام کرد که به او اجازه ملاقات با موکلش را نداده اند. محمود صالحی در سال های گذشته و در زندان، یکی از کلیه های خود را به صورت کامل از دست داد و کلیه دیگرش تنها بین پنج تا ۱۰ درصد کارایی دارد. گزارش های رسیده و نیز اظهارات نجیبه صالحی، همسر محمود صالحی، حاکی از شرایط بسیار بد جسمانی این فعال کارگری است. طبق گزارشی روز ۱۷ ژوئن (۲۷ خرداد) محمود صالحی تحت کنترل نیروی اطلاعاتی رژیم به مدت دو ساعت به بیمارستان توحید در شهر سنندج انتقال داده شد و آزمایش های انجام گرفته حاکیست که وضعیت وخیم کلیوی وی بر قلب او نیز تاثیر منفی گذاشته و دچار ناراحتی شدید است

محمود صالحی بار قبل نیز در سال ۸۳ به دلیل برگزاری روز جهانی

از صفحه ۴ زنده باد اعتراضات مردم

کند حکومت مجبور است کاملاً عقب نشینی کند و بنزین را با قیمت قبلی به مردم ارائه کند. همچنین جان دستگیر شدگان این اعتراضات به شدت در خطر است و بنا به گزارشات رسیده، این دستگیر

همانطور که تا حالا ۴۰۰ لیترسهمیه بنزین اعلام شده برای مصرف هر خودرو از چهار ماه به ۲ ماه تغییر داد. اعتراضات چند روز گذشته همین نکته را تأیید می کند که اگر این اعتراضات ادامه پیدا

تبدیل شد. از جمله يك نمونه آن در تبریز است. گفته میشود در این شهر تعدادی از مردم برکه های سهمیه بنزین را در گونی کرده و آتش زدند و دولت هم در خیلی جاها ناگزیر شده کوتاه بیاید و با قیمت قبلی بنزین بفروشد برای این که تجمع و اعتراض انجام نگیرد. و نمونه دیگرش حرکت اعتراضی دو روز قبل مردم در مترو آریا شهر بود که نزدیک به ۴ هزار نفر به خاطر تاخیر حرکت قطار شروع به اعتراض کردند و رژیم فورا و بصورت اضطراری وسیله نقلیه به محل آورد تا با منتقل کردن مردم معترض، جلوی تبدیل این تجمع به اعتراضی بزرگ را بگیرد.

بدین ترتیب هم اکنون، بر پایي تجمعات اعتراضی تحت عناوین مختلف به يك امر هر روزه مردم تبدیل شده است. در واقع اکنون دو هفته است که ما به استقبال هجده تیر رفته ایم و همه این اتفاقات بطور واقعی هجده تیر امسال را نسبت به سالهای گذشته متفاوت کرده است.

هجده تیر فرصتی است که این نیروی میلیونی معترض را به خیابانها آوریم و رساتر از هر وقت حکم خود را به نابودی این رژیم اعلام کنیم و بار دیگر با پلاکاردهای یا سوسیالیسم یا بربریت آلترناتیو رهایی انسان را به گوش دنیا برسانیم. هجده تیر میتواند روز همبستگی مبارزات کل جامعه علیه این رژیم باشد. هجده تیر باید رساتر از هر وقت شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را سر داد و رژیم اسلامی را برای آزادی فوری محمود صالحی، و همه دستگیر شدگان اعتراضات اخیر و گشودن درب زندانها و آزادی زندانیان سیاسی در فشار و تنگنا گذاشت. هجده تیر را میتوان و باید به يك روز قدرتمندی بزرگ تبدیل کرد. خود را برای این روز بزرگ آماده کنیم.*

چنین روزی خود را آماده کنیم. واقعیت اینست که نیروی اصلی هجده تیرها را همواره دانشجویان تشکیل داده اند و شروع حرکات اعتراضی در این روز از دانشگاه ها صورت گرفته است، اما مدتهاست که دیگر این روز بعنوان روز اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی ثبت شده است و امروز این کل جامعه است که با اعتراضات گسترده خود دارد به استقبال این روز میرود.

رژیم در دو ساله اخیر سعی کرده است با تعطیلی زودتر دانشگاهها و مدارس مانع برپایی هجده تیر بشود. از همین رو یکی از نگرانی ها برای برگزاری هجده تیر همین تعطیلی دانشگاهها بوده است. اما امروز این وضع نیز تغییر کرده است و جامعه حال و هوای دیگری بخود گرفته است. جنب و جوش برای برپایی هجده تیر شروع شده است و همه دارند با "ام اس" این روز را به یکدیگر یادآور میشوند. از جمله طی این مدت ما شاهد تجمعات اعتراضی پی در پی دانشجویان در اعتراض به دستگیری ها و دیگر خواستهایشان بوده ایم و يك نیروی اصلی در اعتراضات همین دو هفته اخیر علیه گرانی بنزین نیز جوانان بودند. از سوی دیگر روزی نیست که در این کارخانه و آن کارخانه حرکت و اعتراضی نباشد و معلمان نیز مترصد فرصتی هستند که بیرون بیایند و خواستهای خود را پیگیری کنند. بویژه اینکه طرح سهمیه بندی بنزین و گرانی قیمت ها جرقه ای بود که کل جامعه را به حرکت درآورد و در همین دو هفته اخیر ما شاهد نمونه های با شکوهی از اعتراض و مبارزه مردم علیه یک تازی های رژیم بودیم. در همان روز آغاز اجرای این طرح در تهران و در بسیاری از شهرها تجمعات اعتراضی بر پا شد و پمپ بنزین ها به صحنه اعتراض و درگیری مردم با مامورین رژیم

به
حزب کمونیست کارگری
پیوندید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بنزین، جنبش سرنگونی طلبی را شعله ورتر کرد! نشانه های دیگری از زوال حاکمیت اسلامی

امید رهایی

بسیاری است. این شرایط را میتوان در چند جمله چنین خلاصه کرد:

حاکمیت سیاه اسلامی قادر به اداره کردن جامعه نیست و مستاصل و در مانده شده است. اکثریت مردم دیگر نه تنها این رژیم را قبول ندارند، بلکه برای نابودی آن و به زیر کشیده شدنش لحظه شماری میکنند. بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، چه داخلی و چه بین المللی، سرتا پای رژیم و نظام اسلامی را گرفته و حتی بنا به گفته های برخی عناصر داخلی نظام مشکلات هر روز عمیق تر میشود. و در يك کلام و به قول منصور حکمت: "جامعه در پله آخر ایستاده است". آری پله آخر! خوب، اگر اینطور است که صد در صد هست، چرا رژیم به این ریسک دست میزند؟ در حالی که عواقب آن به قول وزیر کشور دولت جلادان اسلامی، برایشان قابل پیش بینی نیز بوده است. و حتی انتظار اعتراضات شدیدی نیز برایشان قابل تصور بود. (نقل از روزنامه شرق روز پنجشنبه ۷ تیر ماه)

یکی از علتهای مهمی که به عنوان دلیل برای سهمیه بندی بنزین مطرح میشود، سیاست تحریم اقتصادی از طرف غرب در قبال سیاستهای هسته ای رژیم میباشد. این اولین علامت اعمال فشار حکومت اسلامی سرمایه در فرمای تحریمهای بیشتر سرمایه داری غرب علیه ایران است. تحریمهایی که جز تحمیل فقر و فاقه هر چه بیشتر به کارگران و مردم زحمتکش و حقوق بگیران جامعه، نتیجه دیگری برای مردم به همراه ندارد.

اتفاقاتی که در مجلس و دولت رژیم در دو روز بعدی اعلام سهمیه بندی بنزین یعنی روزهای سه شنبه و چهارشنبه اتفاق افتاد، کاملاً نشان از سر در گمی این دو بخش مهم نظام سیاه جمهوری اسلامی در برخورد به این معضل بزرگ و یا بقول سر مقاله نویس روزنامه دوم خردادی شرق، سعید لیلانز، "درد ناکترین جراحی اقتصادی - اجتماعی تاریخ

بالاخره پس از ماهها این دست و آن دست کردن مسئولین در باره موضوع سهمیه بندی، بنزین سهمیه بندی شد. این موضوع با توجه به اهمیت آن در سرنوشت میلیونها انسانی که در جامعه تحت حاکمیت اسلام سیاسی نه زندگی بلکه در نکبت و جهنم روزگار سپری میکنند، قابل تعمق میباشد. ساعاتی چند از انتشار خبر نگذشته بود و هنوز اولین گفتگوهای خبری حاکمین منحوس اسلامی در میان مردم خشمگین دهن به دهن میگشت که اخبار حمله جوانان و مردم خشمگین به پمپ بنزین ها در شهرهای مختلف سر تیتیر رسانه های خبری جهان شد. در این نوشته کوتاه به این اتفاق، از این زاویه نگریسته نمیشود که در این اعتراضات، مردم و جوانان بصورت پراکنده به این تحرك سازمان یافته نظام جمهوری اسلامی به سطح معیشت شان جواب دادند بلکه از این منظر به موضوع میپردازیم که جامعه ایران در بطن يك کشمکش آشکار اجتماعی، در متن پیشروی جنبش سرنگونی طلبی به استقبال چنین واقعه ای رفت و چگونه با اولین شعله های خشم مردم، اعوان و انصار مرتبط با موضوع بنزین در رژیم اسلامی، با دست پاچگی دست به توجیه سیاست ضد مردمی سهمیه بندی بنزین پرداختند. از این رو مسئله را باید در رابطه مستقیم با شرایطی بررسی کرد که دقیقاً پاشنه آشیل رژیم است، یعنی مردمی که در کمین اش نشسته اند و بدنبال فرصتی برای بزیر کشیدن اش هستند.

اما در چنین شرایطی که به شهادت آنچه در روزنامه های مختلف و مجاز و از زبان مسئولین مختلف نظام آورده شده است، یعنی اعتراف به وجود شرایط بحرانی در جامعه، چرا نظام به استقبال این ریسک بزرگ میروید؟ این جای تعمق

معاصر ایران" داشت. سر در گمی هنوز عبارت مناسبی برای اتفاقات و تصمیمات مجلس و دولت نیست. شاید بهتر است بگویم این اتفاقات و تصمیمات از سر استیصال هستند. در روز چهارشنبه کشمکش داخل مجلس این را به عیان نشان داد. تعدادی از نمایندگان، که از شب قبل طرح سه فوریتی (که نشان از ترس و واهمه آنان از آینده سیاسی شان بود) خودشان را آماده کرده بودند ارائه دادند، با این امید که فرجی حاصل شود و هم حکومتیهاشان از خر شیطان پیاده شوند و باصطلاح از این اقدام خطرناک صرف نظر کنند. ولی چه باک که اختیارداران مجلس اسلامی یعنی روسای منصوب شده رهبر تصمیم خود را گرفته اند و گوششان به این حرفها بدهکار نیست. روسا با عجله و با اعلام تعطیلات تابستانی پیش از موعد مقرر سالانه سراسمی خودشان را بنمایش گذاشتند و با تهدید وزیر کشور دولتشان که "مسئولیت حفظ نظم در هر شکلی بعهدہ وزارت کشور است" نشان دادند که در برابر هر احتمالی، نه از سر درایت سیاسی بورژوازی، بلکه از سر استیصال و درماندگی در برابر بحران لاعلاج نظام سرمایه داری در حال زوال جامعه ایران است که دست به چنین اقدامی علیه مردم میزنند.

و اما مردم با اعتراضات خودشان در یک هفته گذشته، نشان دادند که در برابر حرکت ضد انسانی حاکمیت اسلامی سرمایه داران ساکت ننشسته و به اعتراض خود ادامه خواهند داد. اعتراض بحق مردم به یورش رژیم به سطح معیشت و زندگی فقیرانه شان، جواب دندان شکن و نشان از پتانسیل بالایی است که در جنبش اجتماعی و انقلاب در راه ایران وجود دارد. در این راه، جنبش سرنگونی طلبی با تلاش فعالین حزب و رهبری حزب کمونیست کارگری ایران، که برای سازماندهی و رهبری انقلاب مردم کمر همت بسته است، گامهای آتی را محکمتر برخواهد داشت. این رژیم رفتنی است. این رژیم با انقلاب مردم میتواند و باید سرنگون شود. امکانپذیری جایگزینی رژیم اسلامی با قدرت سیاسی مردم به رهبری حزب را کنگره ششم ما نشان داده است.

زنده باد انقلاب!

هشدار!

جان دستگیرشدگان اعتراضات اخیر در خطر است!

بنا به اخبار دریافتی بیش از ۲۵۵ نفر که در اعتراض به سهمیه بندی بنزین در تهران دستگیر شده اند به زندان اوین منتقل شده و از سرنوشت تعداد زیادی از دستگیر شدگان اطلاعاتی در دسترس نیست. همچنین خبردستگیری ۱۵۰ نفر در یاسوج دریافت گردیده است. اعتراضات مردم که از سه روز قبل به دلیل جیره بندی بنزین شروع شده است در بسیاری از نقاط ایران همچنان ادامه دارد و رژیم جنایتکار سنگین، یا به اشد مجازات برسند. خامنه ای جانی را وارد معرکه کرده اند تا از مردم "زهر چشم بگیرد" و از دولت احمدی نژاد "قاطعانه" دفاع کند. اما مردم در دفاع از حق انسانی خود برای يك زندگی بهتر کوتاه نمی آیند. اعتراضات این چند روز گذشته تنها گوشه ای از جنگ مردم با اوپاش خون آشام اسلامی است.

مردم! حکومت اسلامی وارد يك جنگ تمام عیار با مردم شده است و مردم حق دارند دست به مقابله با این آدمکشها بزنند. مردم حق دارند مانع از سهمیه بندی بنزین شوند. در اولین شبی که بنزین سهمیه بندی شد، ارزاق عمومی بطور چشمگیری گران شد. رژیم اسلامی می خواهد سفره خالی مردم را بیش از این خالی تر کند. مردم را بیش از

مردم! حکومت اسلامی وارد يك جنگ تمام عیار با مردم شده است و مردم حق دارند دست به مقابله با این آدمکشها بزنند. مردم حق دارند مانع از سهمیه بندی بنزین شوند. در اولین شبی که بنزین سهمیه بندی شد، ارزاق عمومی بطور چشمگیری گران شد. رژیم اسلامی می خواهد سفره خالی مردم را بیش از این خالی تر کند. مردم را بیش از

**اساس سوسیالیسم انسان است
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است**

الطاف خفیه

یاشار سهندی

از الطاف خفیه الهی که شامل حال ما مردم شده است یکی همین محمود احمدی نژاد است. البته این اولین بار نیست که خداوند کریم نعمات خود را به سوی ما سرازیر میکند. اگر از سیل و زلزله و آتشفشان و سنگ آسمانی بگذریم از بقیه این الطاف نمی‌شود گذشت و ماشاالله هزار ماشاالله آنقدر زیاد بوده که حسابش از دستان در رفته: زندان، شکنجه، اعدام یا جرقه‌بیل یا بدون جرقه‌بیل، سنگسار، آدم ربایی، قتل توی فولکس، قتل در رستوران، کارد آجین کردن قربانی، رفسنجانی سال ۶۰، رفسنجانی ورژن ۲۰۰۵، حجازیان قبل و بعد از اصلاحات، سازگارا بعنوان سازمانده سپاه یا سازگارا به عنوان مفسر صدای امریکا، خاتمی شکلائی، کروی شیخ اصلاحات یا جنتی که با امام زمان سر و سر دارد، گنجی ضدانقلابی اسلامی یا از نوع جمهوری خواهی آن، و... اگر بخواهیم این نعمات را بشماریم که لیست مفصلی میشود اما می‌ترسم در این میان یکی از قلم بیفتد و یا حق کسی ضایع شود.

همه اینها را گفتیم اما هیچکدامشان به با حالی دکتر نیستند. این آس الطاف خفیه الهی است که ذات اقدسش رو کرده است. آدم خندان و بازه که رودستش کسی بلند نشده است. تا قبل از این فکر میکردیم سید خاتمی End چهره های خندان در حکومت اسلام است اما برادر محمود رده‌ششان زده؛ و از جهات دیگر نیز همینطور. آنقدر

شخصیت جذاب و گیرایی دارد که آقای وزیر ارشادش گفته: مردم جاهای دیگر دنیا دوست دارند هر کدام يك احمدی نژاد داشته باشند. خداوندا برای تولد احمدی نژاد از تو متشکریم!

نمیدانم خواننده این سطور آقای الیور استون را چقدر میشناسد. همین قدر بگویم که او از کارگردانان صاحب سبک سینمای هالیوود است و به قولی سینمای معترض. يك فیلم آن درباره فیدل کاسترو است. ایشان که برای خودش کم آدمی نیست، چون من زده که اجازه بدهند يك فیلم از احمدی نژاد بسازد و مشاور فرهنگی دکتر فرموده اند: بخواهیم بسازیم خودمان بلدییم، تازه اگر تو راست میگی اول يك شرایطی فراهم کن که ما از بوش فیلم بسازیم. بالاخره وقتی مارکر را نتوانستند به ایران بیاورند، ما به همین الیور استون یا شان پن یا آن خانم فرانسوی که میخواهد در فیلم عباس آقا کیارستمی بازی کند، قانعیم.

از حرفمان زیاد دور نشویم. می‌گفتیم بله جناب دکتر فرموده بودند می خواهیم نفت را ببریم سر سفره مردم. برای همین کار را یکسره کردند یکی از مشتقات نفت که بنزین باشد را جیره بندی کردند تا به همه برسد. ریاست محترم جمهور فرمودند: چند نفر با من تماس گرفتند گفتند دستت درد نکند چند روزی نفس راحت میکشیم و در ادامه جیره بندی، بنزین هم صادر خواهیم کرد. و "آقا" سید علی خامنه ای از قاطعیت دکتر مشعوف شدند و اظهار داشتند: محمود برو جلو ما پشتت هستیم.

تجمع اعتراضی نسبت به تصمیم اخیر دولت و سهمیه بندی بنزین در شهرهای شوشتر و مسجد سلیمان

همانطور که همه میدانند در دولت اسلام يك ریال پس و پیش شود همه جا ثبت میشود بخصوص اگر برای مردم خرج شود! از آنجا که خدا را خوش نمی آید چند میلیارد دلار هزینه شود و مردم بیخودی بسوزانند و هوا را آلوده کنند بنزین جیره بندی شده. خداوند نفت را زیر پای ما قرار نداده که هدرش دهیم، بلکه قطره قطره آن باید سود آور باشد. چرا باید دولت از جیبش خرج کند تا مردم قنر ناشناس نعمات خداوند را بسوزانند. حالا در آن دنیا میشود يك جورهایی با خداوند سبحان کنار آمد ولی این دنیا نباید مردم بد عادت شوند و فکر کنند همه چیز مفت و مسلم دم دستشان است. جوی بنزین که نداریم هر وقت خواستیم يك پیت از آن برداریم. اگر قرار باشد مردم در این دنیا در رفاه باشند خب نعوذبالله خیال ورشان میدارد که در همین دنیا میشود بهشت داشت و آنوقت بهشت آن دنیا از چشمشان می افتد و ممکن است زبانم لال خود خداوند را بر اثر رفاه زیاد از یاد ببرند. برای همین باید عذاب بکشند تا از بهشت آن دنیا برخوردار شوند و خداوند از این جهت آسش را رو کرده تا بندگان خدا در عذاب باشند.

دکتر احمدی نژاد البته بی گذار به آب نرده و مقدمات ماموریت الهی شان را چیده بودند. چند ماهی هست که "ماموران غیور و مدافع نوامیس مردم" زنان را آزار میدهند و جوانان را در روز روشن جلو چشم همه شکنجه میکنند تا مردم ماست ها را کیسه کنند. اما مردم نه تنها ماستی کیسه نکردند بلکه در جواب به خواست این دوست خوب خدا فقط يك گوشه از خشمشان را نشان دادند. باشند تا خشم کامل را ببینند. *

میلیونها کارگر، میلیونها زن، میلیونها کودک و میلیونها جوان در آن جامعه در گرو پیروزی سوسیالیسم است. در گرو يك انقلاب سوسیالیستی پیروز است. و حزب ما نماینده این میلیونها است. حزب ما اگر تعهدی دارد به آنها است و چون با آنها مانده است کسانی متأسفانه با ما نمانده اند. ما تا زیر و رو کردن دنیای واژگونه سرمایه داری با طبقه مان و با آن هفتاد میلیون انسان تشنه آزادی و برابری که با سوسیالیسم باید رها شوند باقی میمانیم و به پیش میرویم. *

همچنین روز شنبه ۸ تیر در شهرستان مسجدسلیمان مردم معترض که بیشتر آنان را جوانان تشکیل میدادند در میدان نمره يك نسبت به تصمیم اخیر دولت جمهوری اسلامی مبنی بر سهمیه بندی بنزین و گران شدن آن دست به تجمع اعتراضی زدند. در این روز در حالیکه جمعیت معترض رو به افزایش بودند و میخواستند بطرف خیابان مرکزی شهر (خیابان آزادی) حرکت کنند، یکی از مامورین نیروی انتظامی که مسلح بود اقدام به جلوگیری از حرکت و تجمع معترضین نمود. اما این حرکت نیروهای انتظامی با اعتراض و خشم مردم مواجه شد و مردم بجان آمده مامور مذکور را در محاصره خود گرفته و بشدت او را کتک زدند.

سرانجام با حضور ماموران مسلح نیروی انتظامی و سرکوبگران که با تیراندازی برای متفرق کردن مردم همراه بود، این تجمع اعتراضی پراکنده شده و پایان یافت. بدین ترتیب مردم با تقابل خود با تهاجم ماموران و سرکوبگران درس فراموش نشدنی به آنان دادند.

خبرنگار حزب کمونیست کارگری ایران مهرداد امیری

بنابه گزارش دریافتی قبل از ظهر روز یکشنبه ۹ تیر حوالی ساعت ۱۱ بیش از یکصد راننده به همراه سه چرخه های خود در مقابل فرمانداری شهرستان شوشتر واقع در خیابان طالقانی این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. سه چرخه داران به اقدام اخیر دولت نسبت به سهمیه بندی بنزین شدت معترض بودند. آنان تنها از طریق حمل خرده بار در سطح شهر در شرایطی طاقت فرسا و بدون بهرمنندی از کمترین امکانات رفاهی و ایمنی با سه چرخه هائی که عمدتاً بصورت اقساط خریداری کرده اند زندگی خود و خانواده‌هایشان را تامین میکنند. تجمع اعتراضی رانندگان سه چرخه ها در گرمای شدید این روز، مصمم و متحدانه در برابر فرمانداری تجمع کردند و خواهان لغو سهمیه بندی بنزین شدند. آنان اعلام کردند که با سهمیه فعلی قادر به ادامه کار و تامین زندگی خود و زن و فرزندان‌شان نیستند.

تجمع اعتراضی رانندگان سه چرخه با قول مساعد مسئولین فرمانداری در ساعت ۱۲ پایان یافت. رانندگان اعلام داشتند که در صورت عدم دریافت بنزین برای گذران زندگی خود، به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد

سخنرانی حمید تقوایی ...

نیازی نیست، این واقعیت به وضوح قابل مشاهده است. رفقا این حزب خونریزی زیاد داشته است. بورژوازی از روبرو میزند و از درون صفوف خودمان هم میزند. رابطه حزب و جامعه یکطرفه نیست. جامعه هم بر حزب تاثیر میگذارد. حزب اجتماعی باید منتظر این نوع تحولات درونی هم باشد. طبقات وقتی به حزب میرسند پایون نمی‌زنند و مودب

نمیشوند، همچنان می جنگند. از درون می جنگند. من اگر در يك کلمه بگویم این حزب بر سر چه ایستاده است و حتی جنگهای درون خانوادگی مان بر سر چیست باید بگویم: این حزب برای انقلاب و سوسیالیسم می‌جنگد. (کف زدن حضار). نه بخاطر اینکه آرمان ما اینست و یا کتابها این را بما گفته اند. این حزب برای انقلاب و سوسیالیسم می‌جنگد چون زندگی

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.internasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

انسانیت در هلند پیروز شد

مصاحبه با فرشاد حسینی

پیرامون پیروزی جنبش پناهندگی و اقامت ۳۰ هزار پناهجو در هلند



کنند. اعتراض مردم شهرداریها را نیز به تمرد از دستورات دولت واداشت. بسیاری از شهرداریها اعلام کردند بنا به خواست مردم مراکز دیپورت را ایجاد نمیکنیم. وزارت مهاجرت با تاکتیک دیگری جلو آمد که زمینه های اخراج را فراهم نماید.

دست به بستن کمپ های پناهندگی و اخراج گروهی پناهجویان از کمپ ها زد. اما بلافاصله در مقابل این تاکتیک مردم صندوق های کمک مالی به پناهجویان ایجاد کرده و نهادهای سرویس دهنده به پناهجویان را دست کردند. خیلی ها خانه های خود را در اختیار پناهجویانی میگذاشتند که از کمپ ها به خیابان رها شده بودند. مردم تامین هزینه غذا، مسکن، دارو و تحصیل کودکان پناهجو را عهده دار شدند و اجازه ندادند این اخراج ها به تراژدی های دردناکی در هلند بیانجامد. لازم است اینجا به نقش کودکان هلندی هم اشاره داشته باشم. اعتراضات متعددی توسط کودکان هلندی سازمان داده شد. دسته دسته، گروه گروه کودکان هلندی چه در شهرهای خود و چه در لاهه پایتخت سیاسی هلند تجمعات اعتراضی سازمان داده و خواهان عدم اخراج همکلاسان پناهنده خود شدند.

هنرمندان نیز نقش مهمی ایفا کردند. بیش از ۱۰۰ فیلمساز هلندی اقدام به یک ابتکار جالبی زدند که در جلب نظر افکار عمومی و حمایت آن از پناهجویان بسیار موثر بود. این گروه هنرمندان پروژه ای را درست کردند به نام ۲۶۰۰۰ چهره. که در واقع نام یک فیلم سریالی کوتاه بود که قرار بود زندگی ۲۶۰۰۰ پناهجویی که در خطر اخراج هستند را به مدت ۳ دقیقه در تلویزیون هلند به نمایش بگذارند. همچنین باید یادی از نامه و فراخوان سرگشاده صدها چهره و شخصیت سرشناس هلندی در حمایت از پناهجویان کرد. این یک نامه سرگشاده عمومی به ملکه هلند و درخواست اقامت عمومی به کلیه پناهجویان بود. نزدیک به ۳۰۰۰۰۰ نفر این فراخوان اینترنتی را امضا کردند. همچنین سازماندهی صدها تظاهرات با شرکت دهها هزار نفر در سراسر هلند، اینها همه اشکال ویژه این جنبش در طول مدت این ۴ سال بودند.

انترناسیونال: پارلمان و دولت هلند

صفحه ۹

تلاش فدراسیون و با کمک نیروهای مترقی و انسان دوست جامعه به یک افشاح سیاسی برای دولت هلند تبدیل شد و همان زمان وزیر مهاجرت را از پست وزارتش انداخت. جنبش پناهندگی از دل این سنت کار فدراسیون این بار اما قوی تر، عظیم



تر، توده ای تر و ریشه دار تر قد علم کرد. طرح تشکیل کمیته ائتلافی که ما از ابتدا مطرح کرده بودیم در دل این جنبش به سرعت گسترش یافت و ۱۴۰ سازمان را در هلند در بر گرفت. تحرك این جنبش با اعلام دولت و پارلمان هلند مبنی بر اخراج ۲۶۰۰۰ پناهنده از هلند ظرف مدت یکسال آغاز شد. بلافاصله کانون ها و نهادهای دفاع از پناهندگان در شهر و روستاهای هلند شکل گرفت و به مرور زمان گسترش یافته و ابعاد حمایتی خیره کننده ای به خود گرفت. دولت اعلام کرد که برای بازگرداندن ۲۶۰۰۰ پناهجو در بیش از ۱۰ شهر بازداشتگاهها و مراکز دیپورت ایجاد میکنند. اما همین بالای جان دولت شد. هیچ شهری نبود که در آن از اعتراض و مقاومت مردم علیه اخراج خبری نباشد. شهرهایی که برای ایجاد بازداشتگاههای دیپورت در نظر گرفته شدند به کانون های مهم اعتراض مردم تبدیل شدند. مردم در مقابل شهرداریها تجمع کرده و اعلام میکردند که اجازه نخواهند داد در شهرشان بازداشتگاه و مرکز اخراج ایجاد

سال ۲۶۰۰۰ پناهنده را از کشور بیرون بیندازد. چنین اتفاقی شبیه به صدا در آوردن ناقوس یک پاکسازی قومی و نژادی بود. ابتدا همه از این تصمیم دولت مات و مبهوت و متحیر شده بودند. اما خیلی سریع فهمیدند موضوع جدی است. یک پاکسازی به سبک پاکسازی های فاشیسم هیتلری در کشور در جریان

است. اولین رفلکس های جامعه همین بود که دقیقاً این تصمیم را با تصمیم هیتلر مبنی بر پاکسازی یهودیان از کشور مقایسه کردند. از سنت های مبارزه و مقاومت در آن دوره استفاده کردند. اسم کاروان های دیپورت را کاروان های آسویتس نهادند. و جامعه به پارلمان و دولت میگفت دارید مثل نازی ها به پناهنده و انسان برخورد میکنید.

انترناسیونال: این جنبش مدافع پناهندگان در هلند چگونه شکل گرفت و چگونه در جامعه گسترش پیدا کرد؟ چه فعالیتهای شاخص و چشمگیری در جامعه داشته است؟

فرشاد حسینی: نطفه های اولیه این جنبش را ما در سالهای ۹۴ ایجاد کردیم. زمانیکه دولت وقت هلند تصمیم گرفته بود تعداد زیادی از پناهندگان ایرانی را به ایران دیپورت کند. آن موقع فدراسیون اولین جریانی بود که پرچم دفاع از پناهنده را در قلب جامعه بلند کرد. حرکت اعتراضی و وسیع پناهندگان ایرانی را به جامعه هلند مرتبط کرد. پروژه ایران امن است در همان روزها با

مستحق احساس دلسوزی و ترحم محسوب میشد در این فاصله چهره ای دیگر و ارزش و منزلتی دیگر در جامعه پیدا کرد. اومانیسیم و انسان گرایی در طول این جنگ و عروج این جنبش دفاع از حقوق پناهندگان عمیق تر و رادیکالتر شد. چپ در جامعه اعتبار پیدا کرد. این جنگ و این جنبش، احزاب سوسیالیستی را

که پیش از این کمترین آرای پارلمانی را داشتند در صدر جدول انتخابات پارلمانی قرار داد. قطعاً عوامل متعدد دیگری در این تغییر فاحش سیمای سیاسی و اجتماعی جامعه نقش داشت اما مسئله پناهندگی و جنبش دفاع از پناهندگان محور عوامل دیگر بود. پناهندگی موضوعی بود که سرعت جامعه را حول خودش قطبی کرد. صف بندیهای جدید ایجاد کرد و فضا و میدان برای تعرض چپ داد.

این یک اتفاق ساده در یک کشور کوچک و بی ارتباط با سیاست در دنیا نیست. به نظر من این نوک کوه یخ یک دوره جدید در زندگی بشر در این جهان است. مهم است برای اینکه عزم و تمایل سیاسی و اجتماعی جامعه را در یکی از مهمترین قاره های سیاسی جهان یعنی اروپا به نمایش میگذارد. قطب نمایی است که جهت حرکت مردم در غرب را دارد نشان میدهد. فلسفه این جنگ سر انسان است و حقوق انسان. هلند اولین کشوری در اروپا بود که یک روز روشن و آفتابی آمد در رسانه هاش اعلام کرد که میخواهد ظرف یک

انترناسیونال: خبری از فدراسیون داشتیم که ۳۰۰۰۰ پناهنده در هلند قرار است جواب بگیرند. همانطور که در اطلاعیه فدراسیون هم آمده این در حالی بوده که دولت هلند تصمیم داشت ۲۶۰۰۰ پناهنده را از کشور اخراج کند. این تصمیم چطور در هلند شکسته شد؟ چه اتفاقاتی این موفقیت در هلند را موجب شد؟

فرشاد حسینی: ابتدا باید در نظر داشته باشیم که این دو تصمیم و دو تمایل متفاوتی به لحاظ سیاسی و اجتماعی بود. تصمیم اول مبنی بر اخراج ۲۶۰۰۰ پناهنده از هلند یک تصمیم دولتی و پارلمانی متکی بر سیاستهای گرایشات راست و پناهنده ستیز جامعه بود و تصمیم دوم تصمیم مردمی بود. میل و اراده مردمی که به تصمیم اول اعتراض داشتند و در مقابل دولت از حق انسانی و پناهندگی دفاع میکردند. تصمیم اول از پایین و از خیابانها و میدانها و کوچه های شهرهای هلند، از قلب میلیون ها انسانی که برای انسان و حقوق انسانی ارزش قائل بودند. تصمیم اول از بالا صادر شد اما پایین یعنی جامعه آن را قبول نکرد. در مقابلش ایستاد. بخاطرش وزارتی را از کابینه انداخت و احزابی را در صحنه سیاست هلند بی اعتبار کرد. تصمیم دوم برعکس این تصمیم بود که به زور به دولت و پارلمان تحمیل شد. جام زهری بود که دولت مجبور شد بنوشد. در فاصله بین این دو تصمیم یک جنگ اتفاق افتاد. جنگی در ابعاد وسیع و اجتماعی. جنگی که از اولین روز صبور حکم اخراج در هلند از سر گرفته شد و تا آخرین روزی که اقامت عمومی را اعلام کردند در جامعه با حرارت تمام جریان داشت. و اتفاقاً تمام جنبه مهم و آموزنده این ماجرا در همین فلسفه و شکل این جنگ و مبارزه اجتماعی است. از دل این جنگ جنبشی عروج کرد که خود این جنبش مستقل از فعالیتهای روتین و آکسیونی و کمپینی اش در دفاع از پناهندگان یک فرهنگ جدیدی حول دفاع از ارزشهای انسانی در جامعه رواج داد. پناهنده ای که در بهترین حالت

از صفحه ۸ مصاحبه با فرشاد حسینی

چگونه در نهایت عقب نشینی کردند؟
 فرشاد حسینی: پژوهک اعتراض عمومی و خیابانی برای جلوگیری از اخراج و اعطای اقامت عمومی به پناهجویان در پارلمان نیز طنین می انداخت. دهها جلسه پارلمانی به مباحثات و مشاجرات داغ حول این موضوع اختصاص یافته بود. پارلمان از بیرون زیر فشارهای خرد کننده ای بود. اما از آنجا که احزاب مخالف پناهنده در پارلمان اکثریت کرسی ها را داشتند سیاستهای آنان عموماً به تصویب میرسید یا تأیید میشد. انتخابات پارلمانی امسال کاملاً رنگ و بوی این اوضاع را داشت و تحرکات جنبش پناهندگی مهر خودش را بر فضای انتخاباتی هلند نیز کوبید. احزاب مخالف پناهنده از سکه اعتبار افتادند و احزاب سوسیالیست معتبر شدند. با پیروزی انتخاباتی چپ ها اولین موضوعی که در دستور قرار گرفت اعطای اقامت عمومی به پناهجویان در هلند بود که آن هم تصویب شد و اکنون عملاً پروسه های اداری و اسکان این پناهجویان شروع شده است.

انترناسیونال: آیا میتوان با این اقامت عمومی مبارزه برای دفاع از حق پناهندگی در هلند را خاتمه شده اعلام کرد؟ به سر پناهجویانی که بعد از این تاریخ به هلند می آیند چه میاید؟

فرشاد حسینی: مسلماً نه. این مبارزه تا زمانیکه پناهجو در این کشور وجود دارد ادامه خواهد داشت. اقامت عمومی ۳۰۰۰ نفر شامل تنها کسانی است که تا قبل از اول آوریل ۲۰۰۱ به هلند آمده اند. همین قانون شامل صدها و شاید هنوز هزاران پناهجویی که بعد از این تاریخ یعنی حتی در یک ماه بعد آمده اند نمیشود. پروسه های کنونی پناهندگی بر اساس قوانینی است که احزاب مخالف پناهنده وضع کرده اند. هنوز تغییری در قوانین فعلی پناهندگی به نفع پناهنده ایجاد نشده است. در واقع میتوان گفت جنبش پناهندگی به یکی از دست آوردهای خود در یک دوره معین از مبارزه دست یافت. یک دور مبارزه معینی را به سرانجام رساند. همانطور که بالاتر گفتیم دامنه تاثیرات این جنبش فراتر از گرفتن اقامت عمومی برای ۳۰۰۰۰ پناهجوست. اومانیسیم و

بدهد. درست مثل اینکه هیچ حزب و پارلمانی اجازه نداشته باشد مجازات اعدام را متداول کند. افق به این معنی که یک راه حل ریشه ای و عمیق برای جلوگیری از وقوع تمام این تعرضات به حقوق انسانی را جلو رو داشته باشد. افقی که ضد سرمایه داری است. ریشه تمام مصائب جامعه را در بازار و سود و سرمایه پیدا کند. نه در فلان تصمیم معین توسط فلان وزیر یا در فلان جلسه پارلمانی. افقی که به این جنبش و سایر جنبش های مدافع حقوق انسانی یک جهت سوسیالیستی دهد. این بی افقی میتواند سرنوشت جامعه را سیال کند. و هر دم دست یک حزب از احزاب بورژوازی بسپارد.

انترناسیونال: جمع بندی نهایی شما از این مبارزات، این جنبش و این دست آورد اقامت عمومی به پناهجویان در هلند چیست؟

فرشاد حسینی: به نظر من اگر تمام وقایع این مبارزه و جنبش دفاع از پناهندگی را مثل تصاویر یک فیلم کنار هم بگذارید یک چیز میبینید. و آن چیزی است که کنگره ششم حزب در موردش قطعنامه داد. شروع فصل و دور نوبتی از تعرض چپ در سطح بین المللی. جنبش پناهندگی در هلند برآیند و نوك این کوه یخ زیر اقیانوس است. آنچه در هلند جامعه را حولش قطبی کرد و مبارزه حاد و پیگیری را دامنه زد در واقع مسئله انسانیت و مدنیت بود. توجه داشته باشیم در همین دوره احزاب راست به

امکانات رفاهی جامعه، به حقوق کارگری و حقوق سالمندان و امکانات بهداشتی و درمانی جامعه نیز یورش بی سابقه ای کردند. اما جامعه حول این مسائل به این حد قطبی نشد. این خود نشان دهنده جایگاه محوری مسئله انسانیت در روند مبارزه طبقاتی در دنیای امروز است. برای کل جامعه روشن بود که اگر دولت در تعرضش به پناهنده و به حقوق انسانی جامعه موفق شود دیگر هیچ خشت رفاهی در آن جامعه به جا نمیگذارد. برای همین این سنگر و بستر اصلی مبارزه ای شد که در بطن اش از حقوق رفاهی و اجتماعی خودش هم دفاع میکرد. چپ در این مبارزه با پرچم دفاع از انسانیت و دفاع از حقوق انسانی و پناهندگی به مصاف بورژوازی رفت. ارزش های انسانی را از زیر چکمه های هارترین بخش سرمایه بیرون کشید. پناهنده

جلسات گفتگو با حمید تقوائی در چت روم پلتاک

چهارشنبه ها

ساعت ۷ شب اروپای مرکزی،
 ۹:۳۰ شب به وقت ایران
 ۷ بوقت اروپای مرکزی
 ۱ بوقت شرق کانادا و آمریکا

مکان:

اطاق ایران با حمید تقوائی
 دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

محل اطاق در پلتاک:

زیر گروه Asia/Africa/Australia

روی Persian کلیک کنید

توجه:

۱- اتاق یکساعت قبل از جلسه رسمی باز است.
 ۲- با شرکت در این جلسات می توانید هر گونه نظر، سؤال و پیشنهاد خود را، مستقل از موضوع مشخص گفتار هفته، با حمید تقوائی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران، در میان بگذارید.

* این جلسات ضبط و متعاقباً روی سایت تلویزیون کانال جدید قرار می گیرند. برای دیدن و شنیدن جلسات قبلی به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://www.newchannel.tv/links/HamidPal.htm>

مطالبه و اعتراض صنفی به خود گرفته باشد. بهر حال من به آینده این جنبش و کل روندهای جدید در سطح بین المللی و در دفاع از انسانیت و حقوق و ارزشهای انسانی خوشبینم. فکر میکنم در آینده شاهد موفقیتهای بیشتری در زمینه حقوق انسانی در دنیا خواهیم بود. و تمام جنبه شورانگیز مسئله این است که ما در شکل دادن به این روندها و این آینده نقش داشته و داریم. ما تیز بین ترین، رادیکال ترین، روشن بین ترین، مصمم ترین و افق دارترین نیروی این جنبشیم. بشریت به قدرتمندتر شدن این رادیکالترین بخش نیاز دارد. *

از یک موجود بسته بندی شده در زورق های رنگی به یک موجودیت واحد انسانی ارتقا یافت. و این یک موفقیت بزرگ نه تنها برای جنبش پناهندگی و پناهندگان که برای کل جنبش خلاصی از نکت سرمایه در سطح بین المللی است. در خاتمه هم به نقش جریاناتی مانند فدراسیون و حزب کمونیست کارگری تاکید کنم. افقی که گفتیم این جنبش گم کرده و در مقابل خود ندارد، دست این جریان کمونیسم کارگری است. کار ما به مراتب دشوارتر و پیچیده تر است. چرا که مبارزه در دوران کنونی ما تنها یک مبارزه صنفی نیست. طبقاتی است. حتی اگر شکل

آزادی، برابری، حکومت کارگری

از میان نامه ها و سئوالات

این نامه ها و سئوالات در آخرین لِحظات صفحه بندی انترناسیونال دریافت شد. پاسخ سئوالاتی که در این نامه ها مطرح شده اند را در شماره بعدی انترناسیونال خواهید خواند.
انترناسیونال

با سلامهای گرم و صمیمانه در اینجا و بدین وسیله خوشحالی خود را از تغییرات عالی در نشریه هفتگی انترناسیونال ابراز میکنم. امیدوارم هر چه پر بار تر شود. نشریه خیلی عالی و جالب شده است. دست محسن عزیز را بگرمی میفشارم. به همه سلام مخصوص دارم.
امید رهایی - ایران

خدمت خانم شهلا دانشفر مطلب کاظم نیکخواه در انترناسیونال شماره قبل مطلبی جالب بود. من خودم بیش از ده بار آنرا مرور کردم و همه حقایق را مقابل چشمم می آورد. آنرا به دوستان زیادی دادم که بخوانند. جالبی مطلب ایشان اینست که با بیانی مستدل و قاطع خط انحرافی ای که منصور اسانلو دارد، مقابل چشم جامعه میگذارد و جایگاه اجتماعی این دیدگاه را نشان میدهد. از کاظم نیکخواه تشکر میکنیم که چنین مطلبی آموزنده را نوشته است و با این کار چشم کارگران را به روی حقایق باز میکند. تشکر میکنیم که مشغله شان است و به مسایل جنبش کارگری معطوف هستند. به ایشان سلام داریم.
جمعی از کارگران واحد

با سلام به شهلا عزیز هفته پیش رفته بودم به جمعی از دوستانم سر بزنم. نسخه چاپ شده کتاب شما را در دستشان دیدم. کتاب شما تحت عنوان مبارزات

کارگری در دو دهه اخیر (یک جمعبندی) اکنون توسط دوستانی چاپ و پخش شده است. یک جمعبندی خوب و آموزنده است. به شما تبریک میگوم.
رها از ایران

من از ناسیونالیسم احساسی خطر میکنم

شهلا عزیز سلام نکته نظرانی داشتم که میخواستم بشنوم. من فکر میکنم بعد از شروع به کار تلویزیون بر روی هات برد لازم است یکسری بحثهای سریالی و تحلیلی ارائه داده شود. در همه زمینه ها میتوان این کار را انجام داد. در زمینه کودکان، زنان، کارگری و ... در آن به بحث و تحلیل نظرات منصور حکمت و مبانی پایه ای کمونیسم بپردازید. این کار بسیار سازنده و آموزنده است و مکمل فعالیت های عملی ما خواهد بود.

بعلاوه میخواهم این را بگویم که بطور واقعی من نسبت به ناسیونالیسم احساس خطر میکنم. به جامعه ایران نگاه کنیم. ببینیم جامعه در چه بستری قرار دارد؟ چه کجا ایستاده است؟ و نیروهای دیگر کجا و نقش سرمایه داری چیست و رسالت ما کدامست؟ به اعتقاد من ما باید در برنامه هایمان جای بیشتر به بحث علیه مذهب و ناسیونالیسم بدهیم. البته در دوره ای حساس و تاریخ ساز توانستیم به مذهب و افشا سازیم و انرژی زیادی هم صرف آن کردیم. از اینرو امروز من یک افق سکولار را پیش روی آینده ایران می بینم و تا حد زیادی در آینده سیاسی جامعه مذهب و دستگاه مذهبی بعنوان يك آلترناتیو تجربه شده است و به همین جهت من مذهب را به خطرنای ناسیونالیسم نمی بینم. ناسیونالیسم، اپوزیسیون داخل و خارج و غرب (بویژه آمریکا) را

دارد. و بعنوان يك آلترناتیو خطر آن جامعه را تهدید میکند. چنانچه می بینیم که گاه گوشه هایی از این جامعه را با خود همراه میکنند و از یکسری مسائل و مباحث مثل زبان، فرهنگ قومی و ... استفاده میکنند. این يك واقعیت خطرناک است. باید فکری به آن کرد. باید مثل مذهب آترا افشا کرد. تنها نوشتن کافی نیست. باید در ابعاد وسیعتر و عملیتری روی آن کار کرد. جلسه تشکیل داد. سمینار گذاشت. کمپین براه انداخت. خیلی ساده بگویم تاریخ دارد تکرار میشود. و بار دیگر چپ و ناسیونالیسم بعنوان دو نیروی رو در روی هم و تعیین کننده بصورت خیلی جدی دارند صف آرایی میکنند. این شرایط یادآور آلمان قبل از به قدرت رسیدن حزب نازی است. شاید آتموچ اگر چپ نیرویی داشت و میتوانست هوشیارانه تر عمل کند سرنوشت بشریت در کل به گونه ای دیگر رقم میخورد. بار دیگر این تقابل را میبینیم. باید از تاریخ درس آموخت و اجازه تکرار را نداد. باید نیروهایمان را از همین امروز سازمان دهیم. و چپ را بعنوان آلترناتیو واقعی در جامعه تبدیل کنیم.
آرمان وفایی از ایران

خدمت خانم شهلا دانشفر مطلب کاظم نیکخواه در انترناسیونال شماره قبل مطلبی جالب بود. من خودم بیش از ده بار آنرا مرور کردم و همه حقایق را مقابل چشمم می آورد. آنرا به دوستان زیادی دادم که بخوانند. جالبی مطلب ایشان اینست که با بیانی مستدل و قاطع خط انحرافی ای که منصور اسانلو دارد، مقابل چشم جامعه میگذارد و جایگاه اجتماعی این دیدگاه را نشان میدهد. از کاظم نیکخواه تشکر میکنیم که چنین مطلبی آموزنده را نوشته است و با این کار چشم کارگران را به روی حقایق باز میکند. تشکر میکنیم که مشغله شان است و به مسایل جنبش کارگری معطوب هستند. به ایشان

سلام داریم.
جمعی از کارگران واحد

پیشنهاداتی برای تلویزیون

ما فکر میکنیم ساعت تلویزیون باید ساعات مناسبی باشد که وقتی کارگر بعد از دو شیفت کار و ساعات طولانی بیرون بودن به منزل میرسد، فرصت کند پای برنامه شما بنشیند و آنرا ببیند و بحث هایتان را دنبال کند. بهترین ساعت برای ما بین ساعت ۹ شب تا ده و نیم شب است. ما پیشنهاد داریم هفته ای یک برنامه با تصویر زنده با حمید تقوایی داشته باشید. برای ما آموزنده و لذت بخش است که پای صحبت هایمان بنشینیم. این برنامه میتواند برنامه ای تحلیلی و پایه ای بر سر مهمترین مسایل سیاسی باشد و از قبل برای آن تبلیغ کنید و ساعتش ثابت باشد تا همه بدانیم در آنروز پای سخن حمید تقوایی خواهیم بود. برنامه ای که مشخصا مجری پای صحبت حمید تقوایی بنشیند و مهمترین سئوالات را با ایشان در میان بگذارد و بدین ترتیب ما نیز مسائل و سئوالاتمان را پاسخ بگیریم.

برنامه کارگران و یک دنیای بهتر را به راه بیندازید. این برنامه جایی بود که میتوانستیم تصویری از اوضاع عمومی جنبش کارگری بگیریم. اکنون خلایق برایمان ایجاد شده است. امیدوارم با رفتن روی هات برد این خلا جبران شود.
برنامه های تلویزیون عمدتاً مصاحبه و گفتگو است. خصوصاً گفتگوهای تلفنی. ادامه این وضع برنامه ها را خسته کننده میکند. از تصویر بیشتر استفاده کنید. از موزیک و نقاشی و هنر بیشتر استفاده کنید. تلویزیون را متنوع کنید.
فواد و اکبر از ایران

مریم نمازی عزیز
من در این مدت فعالیت های شما را روی اینترنت دنبال کرده ام و از درگیری ات با مسئله ای که مربوط به مردم در سطحی میکرو و ماکرو

است تقدیر میکنم. ما الان داریم روی يك شماره جدید مجله گالری برای سالگردش کار میکنیم. گالری مجله ای در رابطه با هنر و اندیشه است که در بمبئی هند منتشر میشود. این شماره در رابطه با فراخوان مرزهای نامشخص است. ما مداوما تلاش میکنیم درک متقابل میان افراد و ملت ها در رابطه با فرهنگ های متفاوت را بوجود بیاوریم. این شماره مربوط به این است که چگونه با مرزهای زمینی و فکری که ما را در تله خارجی ستیزی، پایمال کردن حقوق زنان، مسئله نژادی و قلدنمنشی انداخته است مبارزه کنیم.

در این چهارچوب میخواستیم تو در قسمت "شخصیتها" ی برنامه ما ظاهر شوی.
در ضمن چپ بودنت برای من جالب است به خاطر اینکه من از بنگال هستم و چپ هنوز در اینجا در قدرت است و سالهای دانشجویی ام تحت تاثیر آن جنبش بوده ام.
جهت اطلاعات، شماره قبلی مجله گالری در باره ایران بود که در آن شیرین عبادی ظاهر شده بود.
بینا سرکار
سردبیر مجله گالری

کمک کن انسندوستی را تقویت کنیم

مریم نمازی عزیز
ما میخواستیم تو را به عنوان سخنران برای کنفرانس من در دانشگاه هاروارد آمریکا دعوت کنیم. سلمان رشدی را دعوت کرده ایم. امیدوارم ناراحت نشوید که این بار رشدی را دعوت کرده ایم. من خیلی تحت تاثیر همه کارهایی که انجام میدی و آرمانهایی که برایشان مبارزه میکنی هستم. افتخار میکنم اگر به این کنفرانس بیایی و در آن شرکت کنی و کمک کنی انسندوستی را در آمریکا و جهان تقویت کنیم.
گریگ اپستین

آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

سوسیالیسم پیا خیز!
برای رفع تبعیض

اخباری از اعتراضات کارگری در چند روز گذشته

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمانی:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

ورامین:

تجمع کارگران شهرداری

کارگران قراردادی شهرداری ورامین روز دوشنبه ۱۱ تیرماه در مقابل شهرداری ورامین تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. این کارگران که در شرکت پیمانکاری شبنم طلایی یاس مشغول کار هستند چندین ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. کارگران آلتیماتوم داده اند که در صورت پرداخت نشدن مطالباتشان دست به اعتصاب خواهند زد.

قزوین:

تجمع چندین باره کارگران قوه پارس

کارگران قوه پارس قزوین روز ۹ تیر برای بیست و پنجمین بار برای پیگیری به مطالبات خود از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر در مقابل استانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران که هفته گذشته نیز خبر برگزار کردن تجمع اعتراضی آنها در مقابل دفتر احمدی نژاد را نیز منتشر کردیم، همچنان پیگیر مطالبات خود، از جمله دریافت حقوق به تعویق افتاده و

امنیت شغلی هستند. کارگران قوه پارس با وجود اینکه ۲۵ بار است برای رسیدگی به مطالباتشان تجمع و اعتراض میکنند، اما تاکنون هیچ جواب قانع کننده ای از هیچ کسی دریافت نکرده اند.

تهران:

تجمع اعتراضی کارگران شرکت های وابسته به برق تهران

کارگران ۴ شرکت وابسته به اداره برق تهران در اعتراض به مطالبات معوقه خود از این واحدها، روز ۱۱ تیر در مقابل اداره برق تهران در سعادت آباد تجمع کردند. این ۴ شرکت عبارتند از تدبیر نیرو، ساخت نیرو، خدمات ترابری برق تهران و برق آرا. مطالبات کارگران از جمله عبارتند از امنیت شغلی و حقوق معوقه. در پایان این تجمع، مدیر عامل شرکت برق تهران وعده داد که برای حل مشکلات کارگران با شرکت های مزبور مسئله را مورد بررسی قرار دهد. تا رسیدن خبر، نماینده مدیر عامل برق تهران در حال مذاکره با کارگران بود.

رشت:

تومار اعتراضی کارگران

ایران نیدل به رئیس جمهوری اسلامی

بنابه خبرهای منتشر شده در روز ۱۲ تیر، کارگران شرکت ایران نیدل رشت، طی توماری به احمدی نژاد خواستار رفع مشکلات خود شدند. در قسمتی از این تومار آمده است که کارفرما طی دو مرحله اقدام به بازخریدی و اخراج کارگران کرده و با پایان مدت قرارداد، باقیمانده کارگران به از ۲۶۰ نفر به ۵۰ رسیده و جوی در کارخانه حاکم شده که در پایان شهریور، بقیه کارگران نیز اخراج خواهند شد. کارگران همچنین گفته اند که طی مراجعات مکرر به اداره کل کار و امور اجتماعی گیلان، نتیجه ای حاصل نشده و همه دستگاه های دولتی از قبیل استانداری و اداره کار به دلایل مختلف حق را به کارفرما میدهند و کارگران همچنان مورد ستم و استثمار کارگران قرار میگیرند. کارگران در پایان تومارشان خواهان رسیدگی به وضعیت بیکاری در استان گیلان شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ تیر ۱۳۸۶ - ۳ ژوئیه ۲۰۰۷

تجمع اعتراضی رانندگان در مقابل استانداری کردستان

براساس خبر رسیده حدود ۲۰۰ نفر از رانندگان مسافر کش شخصی سنندج و حومه امروز شنبه ۹ تیر ۱۳۸۶ در مقابل استانداری کردستان تجمع کردند.

رانندگان ضمن اعتراض به سهمیه بندی بنزین اعلام کردند که زندگی و امرار معاش آنها در خطر قرار گرفته و با طرح سهمیه بندی بنزین نمیتوانند به شغل خود ادامه بدهند. رانندگان تجمع خود را به خاطر ثبت نام برای تبدیل خودروهای شخصی به خط ویژه اعلام کردند. آنها

گفتند: مسافرکشی تنها منبع درآمد آنها است، اما با سهمیه بندی بنزین امکان کار کردن از آنها سلب شده است. رانندگان قبل از این تجمع جهت ثبت نام برای تبدیل خودروهای شخصی به خط ویژه به اداره راهنمایی و رانندگی مراجعه کرده بودند. اما مسوولان راهنمایی و رانندگی آنها را به استانداری ارجاع دادند. رانندگان اعلام کردند که عده قابل توجهی از مردم این شهر با مسافرکشی زندگی خود را می چرخانند، اما با سهمیه بندی بنزین، دیگر امکان این کار هم وجود ندارد. رانندگان همچنین به گرانی هزینه های

زندگی و اجاره بهای مسکن و... اعتراض کردند.

تجمع کنندگان پس از تنظیم لیست اسامی متقاضیان تبدیل خودرو سواری به خط ویژه و تحویل این لیست به استانداری کردستان به تجمع خود پایان دادند.

کمیته کردستان حزب ضمن حمایت از خواست این رانندگان از همه مردم میخواهد که به طرح سهمیه بندی بنزین اعتراض کنند. سهمیه بندی بنزین باید لغو شود. این قوانین مستقیماً علیه شغل و زندگی و امرار معاش مردم است. باید جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد. باید

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران

شنبه ۹ تیر ۱۳۸۶ - ۳۰ ژوئن ۲۰۰۷

یک

دنیای بهتر

برنامه حزب

را بخوانید

و

در سطح

وسیع توزیع

کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران دعوت میکند: منصور حکمت از زبان شما

در اجتماعات و گردهمایی ها در شهرهای مختلف جهان

منصور حکمت زبان گویای همه انسانهایی بود که به جهان نابرابر موجود اعتراض دارند. منصور حکمت اهداف و روش مبارزه اکثریت عظیم بشریت امروز برای تغییر دنیا را عرضه کرد. فرهنگ نپذیرفتن وضع موجود، سنت نقد بی تخفیف مذهب و خرافه و تبعیض بر اساس جنسیت، ملیت، رنگ و غیره. اعتراض به همه نابرابری ها و بی حرمتی ها به انسان و به کل مناسبات استثمار. فرهنگ باور به تلاش انسانها. اینکه میشود دنیایی با یک عالمه شادی، مقادیر زیادی رفاه و آسایش و احترام به همدیگر ایجاد کرد. باور به عملی بودن "یک دنیای بهتر" و تلاش انسانها برای متحقق کردن آن.

منصور حکمت متاسفانه در ۴ ژوئیه ۲۰۰۲ در گذشت. اما همه آن شرایط اجتماعی نابرابر و ضد بشری که او پرچم اعتراض به آنرا به دست داشت، سر جایش باقی است. همه انسانهایی که مانند او تشنه تغییر جهان وارونه فعلی اند، همچنان درگیر مبارزه ای نهان و آشکارند. و هرروز صف های جدید به این مبارزه می پیوندند.

در گرامیداشت یاد منصور حکمت حزب کمونیست کارگری گردهمایی هایی در شهرهای مختلف جهان برگزار میکند و از همه شما دعوت میکند تا در این اجتماعات شرکت کنید و در باره منصور حکمت سخن بگویید. علاوه بر سخنرانان این مراسم شما هم پشت میکرفن بیایید و حرف بزنید. آنطور که شما منصور حکمت را شناختید. آنطور که در زندگی شما تاثیر داشت. منصور حکمت از زبان شما.

برنامه ها شامل: سخنرانی، نمایش فیلم و تریبون آزاد

کانادا - ونکوور

زمان: یکشنبه ۸ ژوئیه ۲۰۰۷ ساعت ۱۴ تا ۱۷ عصر

مکان: Harbour View Room
John Braithwaite Community Centre
st Street, North Vancouver West ۱۴۵

تلفن تماس: ۶۰۴-۷۲۷-۸۹۸۶

مصطفی صابر: منصور حکمت و یک فرهنگ جدید

کانادا - تورنتو

زمان: شنبه ۷ ژوئیه ۲۰۰۷، ساعت ۷:۳۰ بعداز ظهر

مکان: شماره ۵۱۲۰ خیابان یانگ، نورث یورک سنتر، طبقه دوم کتابخانه مرکزی

تلفن تماس: ۴۱۶-۳۵۸-۹۶۰۰

حمید تقوائی: نقد سوسیالیستی دموکراسی و رابطه آزادی و سوسیالیسم در دیدگاه منصور حکمت
خبات مجید: نقش منصور حکمت در شکل دادن به کمونیسم کارگری در عراق

آلمان - کلن

شنبه ۳۰ ژوئن از ساعت ۱۵ زمان:

مکان: ۹ Köln - Kalk Kapellen Str.

تلفن های تماس: سهیلا خسروی ۰۱۷۸-۳۰۲۴۸۳۲ - محمد شکوهی ۰۹۲۳۴۹۲۹۰ - ۱۶۰

مینا احدی: منصور حکمت و متد برخورد به اسلام سیاسی

محمد آسنگران: منصور حکمت، جنبش شورائی و سندیکالیسم

فرشاد حسینی: متدولوژی پراتیکی منصور حکمت و کمونیسم در عمل

سوئد - استکهلم

زمان: شنبه ۷ ژوئیه از ۱۹ تا ۲۲

مکان: Husby Träff

تلفن تماس: ۰۷۰۳۶۱۰۲۷۹ جمیل فرزاد

سیامک بهاری: تحولات اجتماعی و نقش کمونیسم کارگری

اصغر کریمی: منصور حکمت و کمونیسم در ایران

سوئد - یوتبری

جمعه ۶ ژوئیه از ساعت ۷ بعد از ظهر

در محل خانه آینده (Framtidshuset) واقع در ۹ Ångpannegatan A

تلفن خانه آینده: ۰۳۱۲۳۸۷۸۹ و ۰۷۳۷۷۹۷۸۸۵

شهلا دانشفر: منصور حکمت و جنبش کارگری

سوئد - مالمو

زمان: شنبه ۷ ژوئیه از ساعت ۱۹

مکان: ۴۲Ystadvägen ۵ Våningen

تلفن تماس: فریده آرمان ۰۴۰-۶۱۱۶۱۰۹ - ۰۳۶۳۸۰۸۸

شهلا دانشفر: منصور حکمت و جنبش کارگری

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

برای آزادی و برابری، نه "به جمهوری اسلامی!"

در میتینگهای اعتراضی بمناسبت ۱۸ تیر شرکت کنید!

هشتمین سالگرد ۱۸ تیر را به روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی بدل کنیم!

در هشتمین سالگرد ۱۸ تیر آشکارتر از هر وقت اجرای حکم ۱۸ تیر مبنی بر اینکه "جمهوری اسلامی باید برود"، تماما بر عهده چپ قرار گرفته است. چپ باید بیش از پیش بعنوان نماینده جامعه ظاهر شود و برای برپایی اجتماعات و تظاهرات های ۱۸ تیر فعالانه به میدان بیاید.

۱۸ تیر سمبل اعتراض جامعه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی است. ۱۸ تیر روز فریاد آزادی محمود صالحی و همه کارگران و معلمان در بند است. ۱۸ تیر روز اعتراض همه آحاد جامعه علیه حکومت اسلامی است. در ۱۸ تیر امسال اعلام کنیم: نه بمب، نه جنگ، نه تحریم، نه جمهوری اسلامی.

محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند! انگلستان:

لندن: دوشنبه ۹ جولای از ساعت ۱۲ تا ۱۴

تظاهرات مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران
Kensington Gore SW7

نزدیکترین ایستگاه قطار: Knightsbridge Kensington High Street

اتوبوسهای شماره: 52, 10, 9
تلفن تماس: 07950924434

کانادا:

تورونتو: یکشنبه ۸ جولای از ساعت ۱۹ تا ۲۱

تظاهرات: جنب سوپر مارکت آسی در یانگ و فینچ
تلفن تماس: ۷۲۶۹۳۲۱ (۴۱۶)

نروژ:

اسلو: شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۲ تا ۱۶

پیکت، برگزاری میزاطلاعاتی و پخش تراکت مقابل پارلمان نروژ
تلفن تماس: ۰۷۹-۸۶۹۴۰۰۱

سوئد:

گوتنبرگ: شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۴ تا ۱۶

Brunnsparken واقع در مرکز شهر گوتنبرگ

نمایشگاه عکس، سخنرانی، تریبون آزاد

تلفن تماس: ۰۷۰-۴۲۲۷۱۹۶

آلمان:

هامبورگ: شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۳ تا ۱۷

تظاهرات مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی

Bebelallee 18, 22299 Hamburg

تلفن های تماس: ۰۱۷۳-۱۶۳۷۱۳۲

۰۱۷۸-۳۳۷۹۸۰۸

فرانکفورت: شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۱ تا ۱۳

تظاهرات مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی

Raimundstr. 90, 60320 Frankfurt a.M

تلفن تماس: ۰۱۷۰-۵۴۰۱۰۸۰

کلن: جمعه ۶ جولای از ساعت ۱۵/۳۰ تا ۱۷/۳۰

پیکت اعتراضی در مرکز شهر

تلفن تماس: ۰۱۷۸-۳۰۲۴۸۳۲

لایپزیگ: شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۵

میز اطلاعاتی در مرکز شهر

Zentrum- Hain Str.

تلفن های تماس:

۰۱۷۲۱۰۹۳۳۶۱۸

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ ژوئن ۲۰۰۷